

تحریر

نشریہ بسیج دانشجویی تحریر
دانشگاه فرهنگیان
پردیس شهید باهنر اصفهان
سال چهارم / شماره بیست و نه
بهمن ۱۳۹۷ / توزیع رایگان

پیشنازی اصفهانی ها در حرکت انقلاب اسلامی ایران

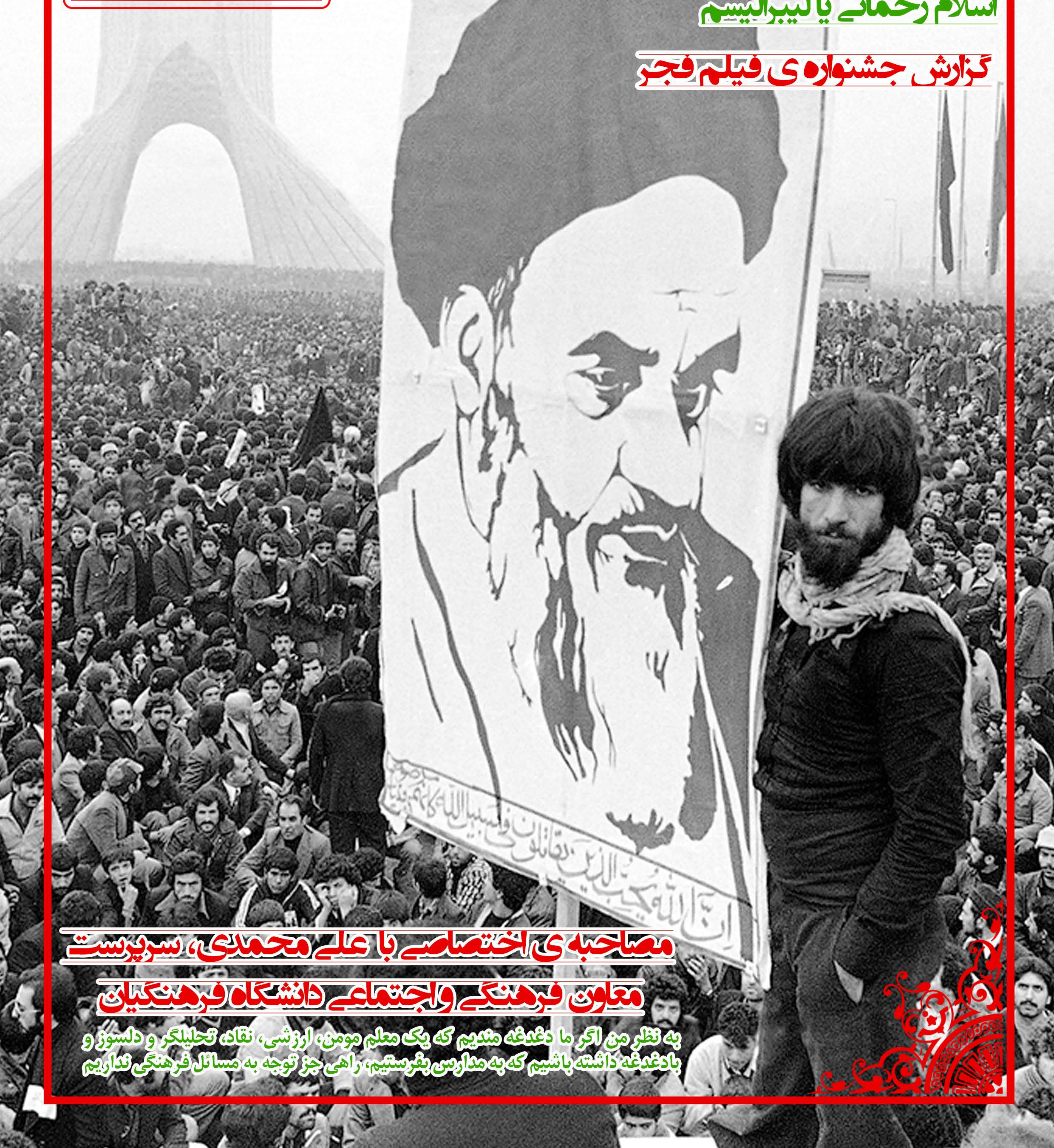
از انقلاب انقلابی تا اختلاس لیبرال...

زندگی برای بانوزینب عباسی ادامه دارد...

بیمه ی فرهنگیان و هزار معمای لاینحل...

اسلام رحمانی یا لیبرالیسم

گزارش جشنواره ی فیلم فجر



مصاحبه ی اختصاصی با علی محمدی، سرپرست

معاون فرهنگ و اجتماع دانشگاه فرهنگیان

به نظر من اگر ما دغدغه مندیم که یک معلم مومن، ارزشی، نقاد، تحلیلگر و دلسوز و
با دغدغه داشته باشیم که به مدارس بفرستیم، راهی جز توجه به مسائل فرهنگی نداریم



تحریر

نشریه بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان

پردیس شهید باهنر اصفهان

سال چهارم/شماره بیست و نه/

بهمن ۱۳۹۷/توزیع رایگان

صاحب امتیاز:

بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان، پردیس

شهید باهنر اصفهان

مدیر مسئول:

محمد رضا بختیاری

سر دبیر:

امیر عباس آقابابایی

زیر نظر شورای سردبیری

دبیر واحد سیاسی:

محمد صادق اسکندری

دبیر واحد فرهنگی:

امیر حسین امینی

دبیر واحد دانشجویی:

امیر حسین زارعی

طراح جلد و صفحه آرایی:

امیر حسین حیدری

تایپ و پشتیبانی

عباس بنار، آرمین صفی زاده

روابط عمومی:

محمد جواد زاهدی

ویراستار:

حسین محمد قاسمی، علی گلشادی

سامانه پیامکی:

۳۰۰۰۶۱۳۲۲۲۲۲

چند نکته:

۱. این نشریه از مقالات و مطالب دانشجویان محترم استقبال می کند.

۲. نشریه در ویرایش و تلخیص مطالب ارسالی آزاد است.

۳. مطالب صرفاً بیان کننده دیدگاه شخصی نویسنده است.

۴. از آنجایی که نشریه با هزینه بیت المال و به صورت رایگان تهیه می شود، لطفاً بعد از مطالعه در اختیار دوستان قرار دهید.

۵. لطفاً پیشنهادات و انتقادات خود را به ما ارسال کنید.

نشریه دارای اسماء متبرک است

و حفظ حرمت آن به عهده خواننده می باشد.

tahrir.cfu@gmail.com

tahrircfu.blog.ir

bpbi.blogfa.com

سخن سردبیر

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا
و بگو حق آمد و باطل نابود آری باطل همواره نابود شدنی است

پیام انقلاب و نهضت امام خمینی (ره) برای همه ی ادوار زمانی کشور است و نه تنها برای سال ۵۷؛ کشور عزیزمان همیشه به جوانان خط انقلاب نیاز دارد تا بتواند پویایی و آرمان های اصلی خود را از دست ندهد و این امر در صورت بصیرت و آگاهی دانشجویان محقق می گردد. در پایان می توان یکی از پیام های انقلاب اسلامی را در شعر ابوالقاسم لاهوتی دریافت..

ای رنجبر فقیر معصوم،

تا چند ز حق خویش محروم؟

بیدار بشو، بس است غفلت!

تا کی به مرارت و مذلت



پیشتازی اصفهانی ها در حرکت انقلاب اسلامی ایران

۲۸ صفحه به مناسبت ۱۶
شبه بیستویکم اردیبهشت ۱۳۵۷ شماره ۱۰ دیال

یک صفحه کامل عکس از حوادث
و آشوب های دوازده اخیر در ص ۲۰

بلوای خونین و حکومت نظامی در اصفهان

سختگوی دولت :

دردر شهری
که آشوب
روی دهد
حکومت
نظامی
اعلام
خواهد شد

در تیر اندازی متقابل تظاهر کنندگان و مأموران
انتظامی ۴ تن کشته و ۶۶ تن زخمی شدند

هتل شاه عباس، مؤسسات دولتی،

بانکها، سینماها، مغازه ها و اتومبیل های
آتش نشانی و مردم به آتش کشیده شد



اعضای هیات
فرماندهای
نظامی
اصفهان

عمور و روز از ۸ شب تا ۶ صبح ممنوع
حمل هر گونه جنگ افزار سرد و گرم،
اجتماع بیش از ۳ نفر و اقدام تحریک آمیز ممنوع

آمار تلفات آشوب دوازده اخیر اصفهان

۴ مأمور کشته شدند
۷ مأمور زخمی شدند
۵ مأمور انتظامی با بولله زخمی
شدند

۴۰ مأمور انتظامی با سنگ و
مواد آتش ز جرح شدند
۱۴ مأمور آتش نشانی با سنگ
و چوب و چماق زخمی شدند



روزنامه اطلاعات ۲۱ مرداد ۱۳۵۷

آغاز حرکت های انقلابی در اصفهان، زودتر از تهران، شاید عنوان چالش برانگیزی باشد. ولی جالب است بدانیم که حقیقت دارد. اگر نخستین خیزش اعتراضی مردم تهران را، در (هفدهم شهریور ۱۳۵۷) بدانیم، قیام مردم اصفهان، تقریباً یک ماه زودتر از آن ها آغاز شده بود. با مروری بر تاریخچه انقلاب اسلامی درمی یابیم که نهضت اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (رحمت الله علیه)، از سال ۱۳۴۱ آغاز شده و با تبعید معظم له از ایران، همچون آتشی در زیر خاکستر ماند. در سال های ۱۳۵۵ به بعد، تحت تأثیر فضای باز سیاسی و نیز نوساناتی که اقتصاد ایران به آن گرفتار شده بود، فرصتی فراهم آمد تا اعتراضات، خود را از خاکستر خفقان بیرون کند. اولین جنب و جوش ها با اعتراض مردم قم به مقاله ۱۷ دی ۵۶ روزنامه اطلاعات، در روز نوزدهم دی ۱۳۵۶ آغاز شد و با چهلیم شهدای ۱۹ دی در تبریز، ادامه پیدا کرد و این چهلیم ها تا بهار ۱۳۵۷ نیز ادامه یافت. اما تقریباً هیچ کدام را نمی توان حرکت گسترده ی مردمی دانست تا این که در ۵ مرداد ۱۳۵۷ با صدور فرمان هشت ماده ای امام که دلالت بر ادامه مبارزه و فاش کردن جنایات رژیم شاه توسط واعظان و بسیج مردمی داشت، مبارزات مردمی وارد دوره ی جدیدی شد که پیشتاز این دوره ی نوین، مردم اصفهان بودند.

آیه الله سید حسین خادمی به عنوان بزرگ علمای شهر اصفهان و نیز رئیس حوزه های علمیه در این شهر، مورد احترام مردم و روحانیون شهر اصفهان بود. آیه الله خادمی، با آن که مانند آیه الله طاهری مبارزات علنی با رژیم پهلوی نداشت، اما همواره از بنیادهای تشیع و خادمان شیعه تقدیر می نمود و با شجاعتی بی مانند، خانه خود را برای علاقه مندان به این حوزه باز گذاشته بود. از مهم ترین اقدامات انقلابی آیه الله خادمی در دوساله ی آخر رژیم پهلوی، بزرگداشت درگذشت سید مصطفی خمینی در آبان ماه ۱۳۵۶ و شرکت در مراسم ختم و چهلیمی بود که به همین منظور در شهر اصفهان برپا شد. ایشان همچنین در جریان قیام مردم قم هم اطلاعیه ای در دفاع از مردم صادر کرد و در دوره های بعد نیز همواره منزل خود را پناهگاه معترضان قرارداد. در تابستان ۱۳۵۷ خانواده های زندانیان سیاسی در منزل آیه الله خادمی تحصن کردند.

از دهم مرداد سال ۱۳۵۷ به بعد، مجالس فراوانی در منزل آیه الله خادمی برگزار می شد. یکی از مهم ترین گردهمایی های اصفهان، تحصن مردم در نیمه ی تابستان ۱۳۵۷ در منزل آیه الله خادمی در اعتراض به تبعید آیه الله طاهری بود. آیت الله طاهری در فروردین ماه ۵۷ از اصفهان تبعید شده بود و پس از سه ماه به اصفهان بازگشت. ایشان به علت ادامه فعالیت هایش، بار دیگر در تاریخ ۱۰ مرداد ۵۷ از اصفهان تبعید شد. تبعید دوباره ی آیت الله طاهری منجر به واکنش تند و انقلابی مردم اصفهان گردید و همان شب یک نفر شهید شد. فردای آن روز مردم با حرکت به سمت منزل آیت الله خادمی در آنجا تحصن کردند. ادامه این تحصن با ماه رمضان همزمان شد و همین امر بر شدت مقاومت مردم افزود.

در این روزها سخنرانان مذهبی در منزل آیه الله خادمی برای تحصن کنندگان سخنرانی می کردند و در هنگام سخنرانی، افراد دیگری هم به جمع تحصن کنندگان می پیوستند. پس از ۱۰ روز، در ۱۹ مردادماه با در نظر گرفتن شرایط، آیت الله خادمی از مردم می خواهند که موقتاً تحصن را پایان بخشند. تحصن کنندگان با قبول این امر تحصن را پایان می دهند، ولی نیروهای شهربانی و ساواک به آنان حمله کرده و در این بین ۹ نفر شهید می شوند و از فردای آن روز در اصفهان حکومت نظامی اعلام می گردد. به این ترتیب اصفهان، اولین شهری در ایران است که در جریان انقلاب، حکومت نظامی در آن اعلام می شود. سرلشکر ناجی، فرماندار نظامی اصفهان، با خشونت تمام برنامه حکومت نظامی را در این شهر اجرا نمود. نگرانی حکومت پهلوی در آن زمان بیشتر از این جنبه بود که حدود دوازده هزار آمریکایی در اصفهان بودند و امنیت آن ها اقتضا می کرد تا اوضاع در کنترل دولت باشد.

صفرعلی براتی که در فاصله سال های ۱۳۵۴ تا ۱۳۵۸ دانشجوی بوده است از خاطرات تابستان ۱۳۵۷ خود با امان الله جزینی، صحبت های زیادی دارد. او می گوید بیشتر مواقعی که در اصفهان جلسات سخنرانی بود با دو چرخه به اصفهان می آمدیم و در جلسات شرکت می کردیم. سخنرانی آیه الله فلسفی بود، می آمدیم؛ مرحوم مصحف صحبت می کرد، می آمدیم؛ مرحوم پرورش صحبت می کرد، می آمدیم. بیشترین خاطرات او با شهید امان الله جزینی از شرکت در مراسم تحصن در منزل آیه الله خادمی برای اعتراض به تبعید آیه الله طاهری بود. او می گوید: «عصر پنجم رمضان (۱۸/۵/۱۳۵۷)، بود با امان الله به اصفهان آمدیم؛ در منزل آیت الله خادمی بودیم چند نفر سخنرانی کردند. جمعیت زیادی هم آمده بود. سخنرانی که تمام شد، بیرون آمدیم. قرار بود تظاهرات شود اما پلیس آماده بود و درگیری شروع شد. از آنجا به سرعت فرار کردیم چون احتمال داشت یا دستگیر بشویم یا تیر بخوریم. درگیری ها خیلی جدی بود از آنجا به خیابان صارمیه رفتیم در آنجا هم مجلسی بود که آن مجلس هم به هم خورد. به زحمت خودمان را به احمدآباد رساندیم از فردای آن روز حکومت نظامی شد».

متعاقب آن در روز (۲۰ مردادماه) شورای تأمین استان اصفهان تشکیل جلسه داد و اعلام حکومت نظامی کرد. این اولین حکومت نظامی در تاریخ انقلاب اسلامی بود. سرلشکر رضا ناجی، فرمانده مرکز توپخانه اصفهان به عنوان فرماندار نظامی شهر مأمور سرکوب مردم شد. در این جلسه تأکید شد: ۱- حکومت نظامی باید با شدت عمل کند و متخلفین را دستگیر و تسلیم دادگاه نظامی کند. ۲- تمامی محرکین واقعه اخیر در هر موقعیتی که باشند باید دستگیر و تحت تعقیب قرار بگیرند. ۳- دستور داده شده ۲۰ دستگاه نفربر زرهی به اصفهان اعزام [شوند]. ۴- اسامی اعضای دادگاه نظامی را سریع اعلام شود. عصر جمعه هیئت دولت نیز بنا به درخواست مقامات اصفهان تشکیل جلسه داد و حکومت نظامی را به مدت یک ماه در اصفهان تأیید کرد.

به دنبال کشتار مردم اصفهان توسط رژیم پهلوی و اعلام حکومت نظامی در این شهر، امام خمینی در ۲۲ مرداد ۱۳۵۷ پیامی صادر کردند.

- تاریخ شفاهی زندگی و مبارزات آیه الله خادمی، مهدی مهرعلیزاده، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۷، ص ص ۱۴۰-۱۸۰.

- اردیبهشت، زندگینامه شهید امان الله جزینی، محمد حسین فروغی، اصفهان، نشر ستارگان درخشان، ۱۳۹۵، مصاحبه با صفرعلی براتی.



دزد را بگیرید...

همیشه اپیزود های بد فیلم ها ، بازیگرانی بد تر از خود داستان دارند . داستان هایی تلخ و بی مفهوم که بازیگرانش به جای بازی در نقش خود ؛ سعی دارند رزومه ی خود را پر بار تر و جیب هایشان را سنگین تر کنند. بازیگرانی که در عین نالایقی هیچ بهره ی علمی هم از آن چه به اجرا می گزارند ندارند و فقط و فقط زبانی دراز و فحاش ، ویژگی بارز آنان می باشد . داستان امروز مجلس ما هم داستان همان فیلم های تلخ است . فیلم هایی که در جشنواره با شعار عزت ملی و چه و چه و چه روی پرده می روند اما بر روی صحنه ی نمایش جز حرف های لغو و بی معنا و یکسری شعار های سیاسی علیه مردم هیچ چیز برای مردم نخواهند داشت اما داستان روزهای گذشته ی مجلس علاوه بر همه ی ناعدالتی ها ، فحاشی را هم به سکانس جدیدش اضافه کرد تا روزمرگی دچار حاشیه های مجلس نشود و اخبار ها سراغ حاشیه ای جدید تر روند و چندی بی خیال شعرهای بچه گانه ی نمایندگان یا داد و بیداد های بی پایه آنان شوند.

شاید اولین بار نام حقوق شهروندی در یک پیامک که از سوی ریاست محترم جمهور به دستمان رسید ، گوشمان را نسبت به این لغت تیز کرد اما باید بدانیم منشور حقوق شهروندی ایران در ۱۳۹۵ به امضا دکتر حسن روحانی رسید تا برنامه های دولت برای پیشبرد این هدف به جلو رود اما آن چه که مشخص بود و هست ؛ این است که این منشور هم مانند همه ی آن چه که تا امروز تصویب شده ؛ یک عروسک خیمه شب بازی برای پیشبرد سیاست های دولت است .

درباره ی این منشور جالب تر آن است که بدانید آن چه در آن تحت مواد این منشور درج شده ، آرمان هایی است که خود دولت امکان پا به عرصه ی ظهور قرار دادنش را نمی دهد اما داستان منشور جایی جالب می شود که در ماده ی ۷ و ۹ آن یک حق شهروندی بزرگ را برایمان ترسیم می کند :

ماده ۷ - شهروندان از کرامت انسانی و تمامی مزایای پیش بینی شده در قوانین و مقررات به نحو یکسان بهره مند هستند.

ماده ۹- حیثیت و اعتبار شهروندان مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه ای به ویژه آن هایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت آمیز نظیر هجو و افترا، حتی از طریق نقل قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کند.

اگر همین دو ماده را هم بررسی کنیم و کاری به ۱۱۸ ماده ی دیگر این منشور نداشته باشیم ؛ خواهیم فهمید نماینده ی سرافراز چه حقوقی را زیر پا نهاده و هم او که قانون گذار است چه نقضی را انجام داده اما واقعا ضعف و نقصان از نماینده سرافراز است یا سرچشمه ی این برخورد های جای دیگری است ؟!

وقتی هدف ها وسیله را توجیه کنند و وقتی به واسطه ی افکار یک حزب بتوان سر مردم را برید و وقتی می شود با مدرک ادبیات انگلیسی قانون تصویب کرد ؛ توهین به مردم کار ساده ، توجیه پذیر و ایضا مطلوب و مورد تحسینی خواهد بود. ین آقای به اصطلاح نماینده ، با مدرک کارشناسی ارشد ادبیات انگلیسی در این کشور قانون تصویب می کند و شاهرگ حیاتی جامعه به دست وی سپرده شده یعنی کسی که تمام برداشتش از قانون ، ایستادن پشت چراغ قرمز آن ها برای جریمه نشدن است حالا دارد برای یک جامعه هشتاد و خرده ای ملیون نفری تعیین و تکلیف می کند . زیبا نیست ؟

جالب تر آن که هم او در میان لیست گروهی بوده که از ابتدای انقلاب و خصوصا چند سال گذشته منادی رعایت حقوق مردم بوده اند و در نظر ایشان تنها همینان می توانند ایران را اداره کنند و باقی هیچ نمی دانند و عدالت در اینان معنا شده و باقی ناعدالتی اند که ظلمشان دان گیر این جبهه نیز شده است . جالب نیست ؟ واقعا لیست امید دارد با ما چه می کند ؟ نماینده ی سرافراز واقعا قانون گذاری می داند ؟ درازهی نهایتا بتواند حروف زبان انگلیسی را با ریتیم بخواند ؛ پس چگونه می شود که او عضو هیئت رئیسه ی کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی باشد؟ عادلانه نیست ؟

از همه ی این ضعف ها که بگذریم در انتها جالب به نظر می رسد این نکته که دولت امید خودش منشور حقوق شهروندی را توشیح کرد و نماینده ی لیست امید همین توشیح را زیر نشیمنگاه نهاد و بر روی منشور حقوق شهروندی نشست و جالب تر از همه ی این ها عدم توییح درازهی بود یعنی او قانون شکست ، حرمت شکست اما مجلس هنوز درباره ی توییح او که باید یکی از موارد ماده ی ۶ آیین نامه داخلی مجلس شورای اسلامی باشد ؛ به نتیجه نرسیده و منتظر است تا وی اصلاح شود . اصلاحی که چند روز بعد از توهین معلوم شد او سارق علمی نیز هست و مقاله ی علمی یک استاد در آلمان را به نام خود به چاپ رسانده و مقاله اش را به سرقت برده است و حکایت ، حکایت دزدی شد که مال سرقتی را زیر بغل زده بود و جلوی مردم و پیش از صاحب مال میدوید و فریاد می کشید : دزد را بگیرید . دزد را بگیرید . و مردم بی نوا بدون آن که بدانند او خودش دزد است به دنبال او پی دزد می گشتند و بیچاره صاحب مال که هم مالش رفت و هم توانش و بیچاره تر مردم که هم فریاد کشدند و دويدند اما به هیچ نرسیدند!

هرچه بیشتر در این جریان دقت می کنیم ؛ یک جمله از اندیشمندی که نامش فراموشم شده ؛ بیشتر جلوه گر می شود: نمایندگان اتومبیل ، اتومبیل می فروشند ؛ نمایندگان قطعات یدکی ، قطعات یدکی می فروشند و نمایندگان مردم ...





از انقلاب انقلابی تا اختلاس لیبرال...

ضمن تبریک بمناسبت فرارسیدن چهلمین بهار انقلاب، سن پختگی و جشن تولدی که خیلی ها نمی خواستند اتفاق بیفتد اما افتاد با تمام سختی ها، تحریم ها، تدبیرهای بی تدبیر و خلاصه اعمال و اتفاقات داخلی و فشارهای خارجی

در این نوشته می خواهیم به شبهه ای که در آستانه هر دهه فجر توسط ضد انقلاب و رسانه های معاند این نظام مقدس صورت می گیرد پاسخ دهیم و بر افکار عمومی که بوسیله ی رسانه های دشمن و عملکرد بعضی ترور شده قدری مرحم باشد

همانطور که از عنوان پیداست دستاوردهای انقلاب و چالش های آن در این عنوان بیان شده است، مهم این است که افکار عمومی علی الخصوص دانشجویان بین این دستاوردها و چالش های بوجود آمده تفاوت قائل باشند .

همه ساله صدا و سیما و رسانه های جمعی، از دستاوردها پرده برداشته و طبق سنت چهل ساله با پمپاژ رسانه ای از اقدامات انقلابی سخن به میان می آورند و کمتر طرف چالش ها می روند و دلیل لیبرالی چالش ها پنهان می ماند تا توسط رسانه های معاند آن چالش ها برجسته شود .

می توان گفت پاسخ به این شبهه که اگر انقلاب شما انفجار نور بود پس این نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی و بعضا فرهنگی از کجا نشئت می گیرد؟ این سخن مقام معظم رهبری می تواند باشد که هر جا انقلابی عمل کردیم پیشرفتیم و هر جا انقلابی عمل نکردیم و نگاهمان به غیر خدا بود پس رفتیم و دچار چالش شدیم .

بحث سر این است که باید منشاء این چالش ها برای مردم تبیین شود تا مردم اقتصادی را که آلوده به افکار لیبرالی شده است به انقلاب و نظام اسلامی رجوع ندهند، وضعیت اسفناک تامین نیازهای روزانه را از سر نظام و انقلاب نبینند و ببینند منشاء اصلی و دلیل این نابسامانی ها چه بوده است؟ اختلاس و حقوق نجومی مدیر لیبرالی را در دستگاه اجرایی که مسئولینش را خودشان انتخاب کردند پیگیری کنند... وگرنه قسمت هایی که مدیران انقلابی داشتند نه تنها در کشور، نه تنها در منطقه بلکه در دنیا جزء رتبه های برتر اند

مردم این را باید بفهمند که هر جا فردی انقلابی کار کرده بازدهی آن به کل نظام است و می توان هر ساله از این افتخار در دهه فجرشان نام برد و هر جا فردی لیبرالی و وابسته به بیگانه کار کرده است جزء چالش ها بوده و هزینه و بدنامی آن را به اسم نظام و انقلاب زده اند

این را باید به یاد داشت ممکن است انقلاب یک فرد انقلابی با پمپاژ خبری و ترور رسانه ای دشمن این انقلاب به راحتی به اختلاس لیبرالی تبدیل شود اگر برای آن فکری نشود ممکن است در آینده جای شهید و جلالد نیز عوض شده و به عنوان انقلاب لیبرالی و اختلاس انقلابی تغییر عنوان دهد و آنجاست که هر اتفاقی ممکن است بیفتد. وظیفه جوان انقلابی و دانشجوی تربیت یافته این نظام مقدس این است که نگذارد این اتفاق به وقوع بپیوندد و همانطور که گفته اند دانشجو مؤذن جامعه است افکار عمومی و اقشار مختلف جامعه را بیدار کند که مردم عزیز ایران آرمان های انقلابیون اختلاس، برهنگی، قرار دادن مردم در صف گوشت و سبذ کالا و ...، حقوق نجومی، خودروی بی کیفیت، گرانی، دزدی و اشرافیگری نبوده است و نخواهد بود.

آرمان های یک فرد انقلابی عزت ملی، تربیت نخبه علمی و فرهنگی، صدور اسلام ناب محمدی، بازدارندگی دفاعی، رسیدن به قله های هسته ای، نانویی، پزشکی و داروسازی و نظامی و موشکی بوده است و انشاء الله خواهد بود ...

از جهتی مردم بدانند و برایشان تفهیم شود اهداف افراد لیبرال چه بوده، هست و خواهد بود و اگر این افراد را شناسایی نکنند و دوباره و چندین باره انتخابشان بکنند ممکن است نگاه و افکارشان توسط دشمنان داخلی و خارجی مورد تهاجم قرار بگیرد و وای بر آن روزی خواهد بود که انقلابی که بدنه ی آن خود مردم اند از مردم جدا شود

مردم باید بدانند صف خرید گوشت ایجاد شده از صف انقلابشان جدا است و به صف انتخاب های بعد از انقلاب خودشان مربوط است و مشکل را در انتخاب های بعضا نادرست خود بررسی کنند و صف انقلاب انقلابی را از اختلاس لیبرالی جدا بدانند ...



گفتگو با علی محمدی سرپرست معاونت فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان



به نظر من اگر ما دغدغه مندیم که یک معلم مومن، ارزشی، نقاد، تحلیلگر و دلسوز و بادغدغه داشته باشیم که به مدارس بفرستیم، راهی جز توجه به مسائل فرهنگی نداریم

– به نظر شما دانشگاه فرهنگیان از منظر فرهنگی چه رسالتی بر عهده دارد؟

این جمله را زیاد شنیده اید. وجه تمایز دانشگاه فرهنگیان نسبت به دانشگاه های دیگر در حوزه های فرهنگی، ارزشی و تربیتی آن است. محور فعالیت های این دانشگاه بایستی فرهنگی، ارزشی و تربیتی باشد. چراکه در فعالیت های فرهنگی، تربیتی و اجتماعی است که معلمان مهارتی و شایسته تربیت می شوند. لذا نگاه و توجه به حوزه فرهنگی و اجتماعی در دانشگاه فرهنگیان باید خیلی ویژه تر و مهم تر باشد. که به لطف خداوند و بعد از حضور مقام معظم رهبری این حوزه بیشتر مورد توجه قرار گرفت و ما شاهد آن هستیم که معاونت فرهنگی و اجتماعی یک فضای جدیدتری را در حال تجربه کردن است و یک حمایت جدی تر را پشت سر خود می بیند و ما در صدد هستیم که حوزه فعالیت ها را به سطوح گسترده تری از دانشجویان که خط مقدم آن، سراهای دانشجویی و مراکز و پردیس های دوردست هستند برسانیم.

به نظر من اگر ما دغدغه مندیم که یک معلم مومن، ارزشی، نقاد، تحلیلگر و دلسوز و بادغدغه داشته باشیم که به مدارس بفرستیم، راهی جز توجه به مسائل فرهنگی نداریم چرا که اینگونه معلمان در فعالیت های فرهنگی و مذهبی هستند که تربیت می شوند نه صرفا در کلاس های درس.

– سازمان مرکزی چه امکاناتی را در اختیار دانشجویان و مسئولین قرار داده و چرا علی رغم این امکانات، دانشگاه فرهنگیان نتوانسته در زمینه های فرهنگی آنطور که باید موفق شود؟

من اعتقاد دارم که وظیفه سازمان مرکزی در حمایت از تشکل ها و برنامه های فرهنگی و اجتماعی شامل دو بخش است. یک بخش آن، نگرشی و فضا سازی فرهنگی است. یعنی یک مسئول فرهنگی باید بستر مشارکت را با برنامه های خوب فراهم کند. این بستر صرفا در حوزه دانشجویی نیست. ما اعتقاد داریم برای احیای برنامه های فرهنگی و اجتماعی، علاوه بر دانشجویان معلم ها، اساتید و کارکنان هم باید مشارکت داشته باشند. یکی از وظایف ذاتی معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان مرکزی، بستر سازی برای مشارکت در فعالیت هاست و ایجاد قوانین و مقررات مناسب و تسهیل کننده. اما یک بخش دیگر آن پشتیبانی است. بخش دوم وظایف معاونت فرهنگی و اجتماعی این است که باید از برنامه های قانونمند فرهنگی و اجتماعی، حمایت مادی هم داشته باشد.

در بخش حمایت های مادی، دو مسئله وجود دارد. یکسری ظرفیت ها و منابع مشخصی داریم که بسیار محدود است. که به هر حال شاید کفاف فعالیت ها را ندهد. الحمدلله در سال گذشته مقداری این منابع افزایش یافته اما همچنان کفاف نیازها را نمی دهد.

همچنین یک سری از حمایت های مادی باید مشارکتی باشد. برای مثال، ما در حال تدوین یک تفاهم نامه با وزارت ارشاد هستیم که از فعالیت های قرآنی ما در خوابگاه ها حمایت مالی بکند. یعنی ما برنامه های قرآنی بگذاریم، دانشجویان شرکت کنند، و جوایز آن را قرآن و عترت وزارت ارشاد بدهد. در تعامل با وزارت آموزش و پرورش در حوزه معاونت پرورشی، یکسری اردوگاه ها و کانون هایی در استان ها وجود دارند که دانشجویان بتوانند از آن ها استفاده بکنند و در ازای استفاده از آن امکانات، هزینه چندان پرداخت نشود.



تقریباً از سال ۱۳۶۱، که فکر می کنم سال اول دبیرستان بودم برای جنگ داوطلب شدم. در آن زمان به سختی مارا می پذیرفتند، زیرا سمنان کم بود و جثه کوچکی داشتیم

– جناب آقای دکتر، خیلی خوشحالیم که در خدمت شما هستیم و ممنونیم از اینکه وقتتان را در اختیار ما قرار دادید. قبل از هر چیز، با توجه به قرارگیری در این ایام، در صورت امکان کمی از حال و هوای آن روزها و خاطرات خودتان برایمان بگویید.

بسم الله الرحمن الرحيم، خیلی خوشحالم که امروز فرصتی شد تا با دانشجویان معلمان جوان خوبم، خصوصاً در زمینه نشریات دانشجویی و نشریه تحریر، گفت و گو کنم. من، علی محمدی هستم و افتخارم این هست که با جریان نظام و انقلاب رشد کرده ام و متولد شهر قم هستم.

بد نیست به مناسبت ایام مبارک دهه فجر، یادى کنیم از روزهای شور و شغف و مبارزه در شهر قم. بنده به یاد دارم که حدوداً ۱۱ یا ۱۲ سالم بود که انقلاب شد و کاملاً به یاد دارم که چه اتفاقاتی افتاد و چقدر دانشجویان معلمان، دانش آموزان و معلمان، نقش محوری در مبارزه با طاغوت داشتند. این که می گویم محوری، بسیار مهم است. به این دلیل که دانش آموزان صبح تا ظهر در مدرسه بودند و بعد از ظهر با هماهنگی هم در کوچه ها و خیابان ها و غالباً با فرماندهی معلمان مذهبی و متدین به مبارزه می پرداختند. و عمده مبارزه در زمان طاغوت توسط دانشجویان، دانش آموزان و معلمان انجام می شد. من دقیقاً به خاطر دارم که ما بچه های مکتبی، که در آن زمان سن بسیار کمی داشتیم، در خیابان هایی مثل آذر یا چهارمردان قم که اوج مبارزه در آن جا بود و انقلاب از این شهر آغاز شد، گاهی اوقات دو یا سه روز مشغول مبارزه بودیم و گاهی به خانه هم باز نمی گشتیم. زیرا شب ها که معمولاً حکومت نظامی بود و روزها هم مشغول مبارزه بودیم. خانواده ها هم همکاری می کردند و مارا پنهان می کردند!

از آنجایی که ما به دلیل سن کممان بسیار شناخته شده بودیم، یکبار عزم کردند که مارا دستگیر کنند. در تعقیب و گریز، در یک کوچه بن بست گیر کردیم و یکی از دوستان ما در آنجا به تیر خورد و به شدت زخمی شد و بازهم مردم همکاری کردند و در آن کوچه خانه ای بود و ما دوستان را به داخل کشیدیم و درب را قفل کردیم و مامورین هرچه تلاش کردند در را بشکنند موفق نشدند. ما فرار کردیم و آن دوست مجروح ما در آن خانه ماند و اعضای خانه وی را درمان کردند و یادم هست که شب بود و نمی توانستیم اورا به بیمارستان ببریم. و خبردار هم نشدیم که آیا شهید شد یا خیر زیرا همان شب با او آشنا شده بودیم.

می خواهم این را بگویم. ما از این باب با جریانات مبارزه آشنا شدیم. و اینکه به لطف خدا مانند خیلی ها در مراسم استقبال امام (ره) حضور داشتیم و خاطرات شیرینی داشتیم. دقیقاً به یاد دارم که از قم چگونه به فرودگاه آمدیم و چگونه به بهشت زهرا رفتیم. آن موج میلیونی جمعیت فراموش نشدنی بود. یا مثلاً در دوران مبارزه و در مدرسه با آن سن و سال کم با جریانات منحرف مانند توده ای ها روبه رو شدیم که تلاش می کردند نگرش مارا به سمت خود بکشند و ما چقدر هوشیارانه گاهی با مشورت با بزرگان و روحانیون و با آمادگی در جلسات آنها شرکت می کردیم و در مقابل آن ها می ایستادیم و با آن ها مناظره علمی می کردیم. بعد انقلاب و سپس جنگ شد. با آغاز جنگ ما همچنان با این جریانات رو به رو بودیم. تقریباً از سال ۱۳۶۱، که فکر می کنم سال اول دبیرستان بودم برای جنگ داوطلب شدم. در آن زمان به سختی مارا می پذیرفتند، زیرا سمنان کم بود و جثه کوچکی داشتیم ولی با التماس و خواهش افتخار پیدا کردیم که همراه جوانان قم به جبهه های جنگ برویم. یادم هست اولین عملیاتی که شرکت کردم عملیات رمضان بود. ما آموزش های ویژه ای ندیده بودیم ولی به کرات در طول تحصیل به جبهه می رفتیم و در عملیات های متعدد شرکت کردیم. عضو فعال لشکر علی ابن ابیطالب قم بودیم و فرمانده ما شهید زین الدین بود. من یک کتاب هم راجع به ایشان نوشته ام. یعنی به ایشان احساس دین کردم.

ما به عنوان مسئولین فرهنگی اجتماعی دانشگاه، برای توسعه فرهنگی و اجتماعی راهی نداریم جز اینکه بیاییم و حلقه های مشورتی خودمان را با دانشجو معلمان در قالب تشکل ها بیشتر کنیم



– نظر و دیدگاه شما درباره رویش چهارم چیست؟ دیدگاه های خود را در این باره بیان کنید.

خدارا شاکرم که توفیق به ما داد، که علی رغم تمام محدودیت های مالی توانستیم رویش چهارم را به شکل مطلوب، وسیع و گسترده برگزار کنیم. استحضار دارید که رویش دوسال برگزار نشد و مطلع هستید که رویش در وزارت علوم یک فعالیت رسمی و مورد توجه است. منتها رویش دانشگاه فرهنگیان ویژگی های خاص خودش را دارد. مثلا در رویش دانشگاه های دیگر، آنچه که هست این است که بیشتر در حوزه کانون ها فعالیت می کنند. ویژگی رویش دانشجومعلم های ما این است که ما در تمام تشکل ها نماینده داریم. در حوزه های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، در حوزه کانون ها، و نشریات و هیات مذهبی.

جمع کردن تشکل های متفاوت و نگرش های متفاوت زیر یک چتر به نام رویش و نمایش آثار و خلاقیت های آنها در نمایشگاه ها، به نظر بنده یک اقدام فوق العاده جهشی و مثبت برای آغاز یک تحول در مسائل فرهنگی و اجتماعی دانشگاه فرهنگیان بود. خب البته ما با برنامه ریزی هایی که از قبل داشتیم و مشورت ها و مطالعات قبلی، سعی کردیم که کمترین نارسایی و کمبود را داشته باشیم. رویش چهارم به نظر بنده نقاط برجسته و مثبت فوق العاده ای داشت و رضایت های فراوانی را ایجاد کرد. نشاط ایجاد کرد، همدلی و وحدت ایجاد کرد و به هر حال ضعف ها و کاستی هایی هم داشت که در حال مطالعه بر روی آن ها هستیم و امیدواریم که این رویش، آغازی باشد برای تحول های آینده. نه یک آغاز و پایان محدود یک هفته ای.

متاسفانه به دلیل محدودیت در منابع مالی و امکاناتی و خوابگاهی و... نتوانستیم در خدمت دانشجو های بیشتری باشیم اما این قول را می دهیم که رویش در سطح استان ها و پردیس ها با قوت بیشتر و دانشجویان بیشتری طی سال های آینده برگزار شود. در خصوص نقاط ضعف، من فکر می کنم ما می توانستیم در رویش چهارم از نمایندگان بیشتر و تشکل های بیشتری استفاده کنیم و دانشجویان بسیاری بودند که آمادگی بیشتری داشتند اما متاسفانه حضور آنها به دلایل محدودیت های فوق میسر نشد. و این امکان وجود داشت که کارگاه های ما در بعضی تشکل ها کیفی تر باشند و امیدواریم برای دوره بعد بتوانیم از اساتید کاربردی تر و مجرب تر در کارگاه ها استفاده کنیم.

– به نظر شما برای اینکه دانشگاه فرهنگیان بتواند در زمینه فرهنگی با سایر دانشگاه ها رقابت کند چه کارهایی باید انجام دهد؟

شاید این جمله خیلی اغراق آمیز به نظر برسد ولی من اعتقاد دارم ظرفیت های فرهنگی اجتماعی دانشگاه فرهنگیان اگر فراتر از سایر دانشگاه ها نباشد، کمتر نیست. حال بستگی دارد که این ظرفیت را چه چیزی فرض کنیم.

من معتقدم ظرفیت ما از سایر دانشگاه ها برتر است. به دو جهت: هم از حیث بستر فعالیت که دانشجومعلمان بسیار آماده ای داریم. هم از حیث ظرفیت های فیزیکی. مثل سالن های آمفی تئاتر، کلاس ها و... یا شبانه روزی بودن ما که ظرفیت را برای ما افزایش می دهد. منتها وظیفه مدیران فرهنگی دانشگاه این است که این ظرفیت ها را شناسایی و بهره وری را افزایش دهند. ما ظرفیت داریم، حال یا ناشناخته ست، یا به روز نشده است، یا شیوه استفاده از آن درست نیست. ما باید اجازه دهیم تا این ظرفیت ها با اولویت دانشجویان در اختیار قرار بگیرد. مثلا اکثر پردیس ها سالن آمفی تئاتر دارند، سالن جلسات دارند، می توانند تئاتر برگزار کنند، می توانند نقد و نظر و کرسی هارا برگزار کنند. می توانند در خوابگاه ها تولید نشریه کنند، از امکانات سخت افزاری و نرم افزاری استفاده کنند.

ما در بهره برداری دچار چالش هایی هستیم و وظیفه معاونت فرهنگی این است که این موانع را شناسایی و حذف کرده و بستر فعالیت هارا تسهیل کنند. با اعطای مجوز ها، با حمایت ها و با تعاملی که با دانشجومعلمان دارند.

ما به عنوان مسئولین فرهنگی اجتماعی دانشگاه، برای توسعه فرهنگی و اجتماعی راهی نداریم جز اینکه بیاییم و حلقه های مشورتی خودمان را با دانشجو معلمان در قالب تشکل ها بیشتر کنیم. یعنی معاونت باید با تشکل های فعال در ارتباط باشد و از طریق تشکل ها به توده دانشجویان وصل شود. یعنی اگر من از شما به عنوان یک نشریه خوب حمایت کنم، شما هم چندین دانشجو را پوشش می دهید. شما اگر یک حامی داشته باشید، می توانید تعداد زیادی را پوشش داده و با مطالب خود، عده بسیاری را تحت تاثیر قرار دهید. اگر تشکل های مختلف به میدان بیایند و حمایت شوند می توانیم امید داشته باشیم که تمام دانشجویان را تحت پوشش قرار دهیم. ما ساز و کار هایی را پیش بینی کردیم، در رویش یک اتفاق خوب افتاد این بود که انتخابات برگزار شد، نماینده تشکل ها مشخص شد، و نماینده تشکل ها مشاورین فرهنگی ما خواهند بود. یعنی ما با آن ها بحث و تبادل نظر خواهیم داشت و از طریق این تشکل های منتخب، این فعالیت ها به توده دانشجویان مختلف خواهد رسید.

در خصوص نقاط ضعف، من فکر می کنم ما می توانستیم در رویش چهارم از نمایندگان بیشتر و تشکل های بیشتری استفاده کنیم و دانشجویان بسیاری بودند که آمادگی بیشتری داشتند اما متاسفانه حضور آنها میسر نشد.



محمدرسلول خانی

زمان، از دید فیزیک

زمان

مفهومی که فیزیکدان ها همیشه در فهم دقیق آن اختلافات زیادی داشته اند و سال هاست که کتب گوناگونی با نگرش های متفاوتی درباره ی آن نوشته میشود.

اما واقعا زمان چیست؟

زمان تعاریف متفاوتی در میان فیزیکدان ها و فلاسفه دارد اما دو تعریف عمده ی آن را می توان به صورت زیر بیان کرد :

تعریف اول: زمان یک مفهوم ساخته شده توسط ذهن است و نمی توان آن را جزئی از جهان حقیقی پیرامون در نظر گرفت و این یعنی در این تعریف اعتقاد بر این است که زمان مفهومی دارد همانند مفهوم اعداد که در طبیعت وجود خارجی ندارد و یک مفهوم مصنوع ذهن است.

تعریف دوم: زمان جزئی از طبیعت است و می توان آن را در فیزیک یک بعد در نظر گرفت. یعنی همان کاری که آلبرت انیشتین انجام داد و زمان را بعد چهارم جهان معرفی کرد البته در فلسفه تعریف زمان کمی متفاوت است. برای مثال گروهی از فلاسفه زمان را مقدار حرکت ماده در نظر می گیرند. اما موضوع دیگری که جلب توجه میکند این است که آیا زمان صرفا یک مفهوم نامتقارن است یا یک مفهوم نامتقارن است که جریان دارد؟

منظور از عدم تقارن این است که همان طور که در قطب نما نوک فلش جهت شمال را نشان میدهد و انتهای آن جنوب، و اگر در جایی بایستیم و نوک فلش قطب نما شمال را نشان دهد بدین معنا نیست که در جهت شمال حرکت میکنیم. زمان هم بدین صورت است و جهت دارد و جهت داشتن آن نشانه ی این نیست که در جهت خاصی جریان دارد.

اما در انتقاد از این دیدگاه برخی از فیزیکدان ها همیشه این موضوع را بیان می کنند که پیر شدن انسان ها را نمی توان انکار کرد و این خود نشان دهنده ی این است که زمان جریان دارد و بشر مجبور است طبق جریان زمان حرکت کند.

نکته ی جالب اینجاست؛

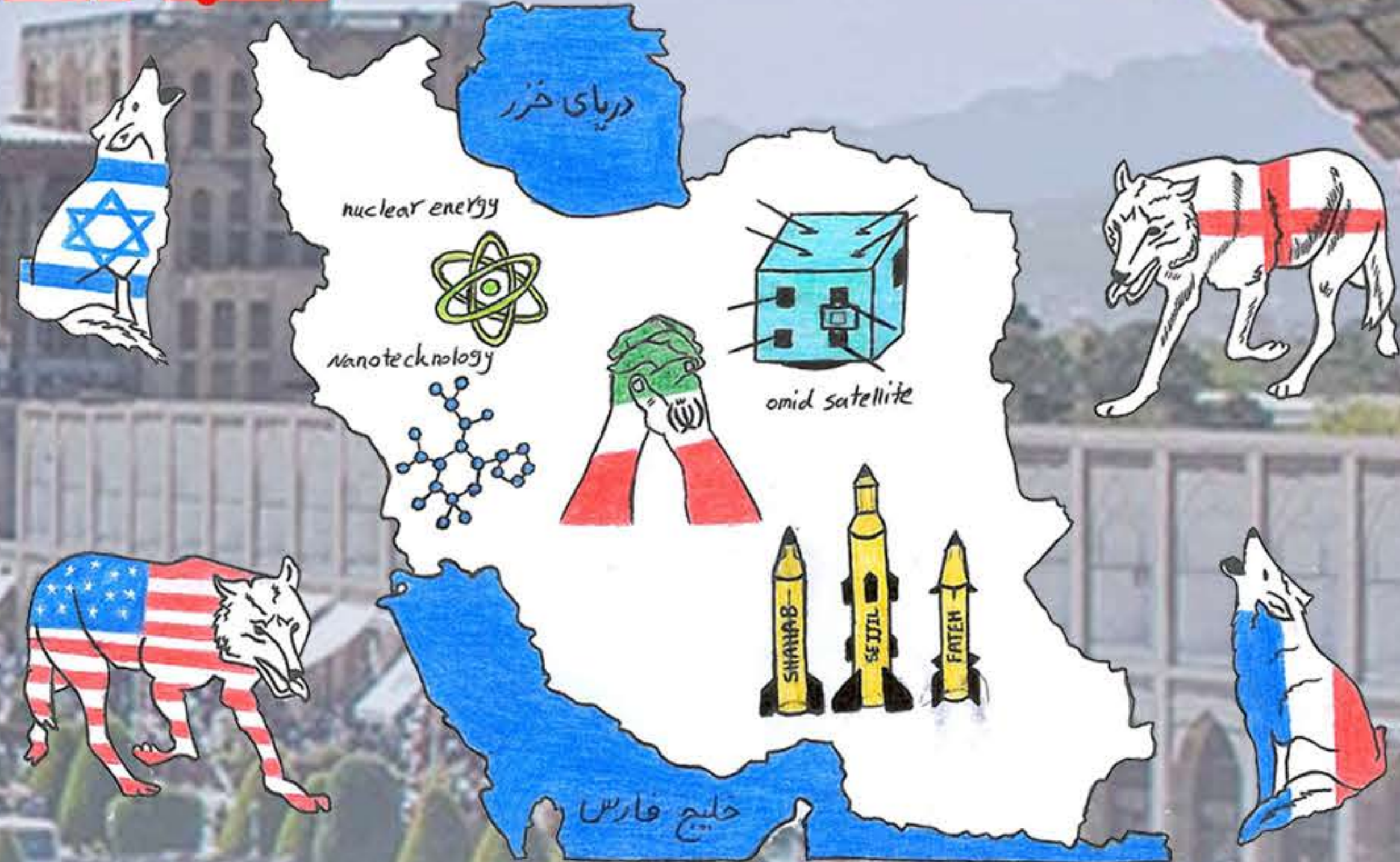
همان طور که در بالا دو تعریف از زمان گفته شد در صورت پذیرش تعریف دوم و نگاه کردن به زمان از دیدگاه نسبیت آلبرت انیشتین، ما نقطه ای در فضا زمان خواهیم داشت که زمان نمی تواند در آن جریان داشته باشد و انسان ممکن است در آن نقطه دچار پیری نشود و اصطلاحا این نقطه را، نقطه ی تکینه در فضا زمان مینامند، که بر اثر خمیدگی زیاد فضا زمان، به وجود می آید.

به نام وطن

سعید رضا ظرفی

فاطمه اله دادی

طراحان: فاطمه دهقانی



بنازم بر این زادگاه کهن
همیشه سر افراز ایران ما
بخوانم از آن تا که هستم به پای
همه عمر خود باشمش دست بوس
برای وطن گفت اما نیافت
ندارند آنگونه بیگانه ها
جز ایرانی آن را سزاوار نیست
چه از حال گویم چه از باستان
هر آنچه گذشته شده بیشتر
شود کور هر کس که نتوان بدید
نباشد در آن گرگ و کفتار جای
به زنجیر عدل انو شیروان
به عزم خطیر سیاوش قسم
دماوند، علم کوه، تفتان، سهند
به سرخی خون شهیدی دلیر
محال است خاکی از ایران دهیم
ز خون شهیدان خود نگذیریم
ندانند ایران بود لایزال
ببندیم بر دشمنان راه را
نیاید چو هستیم بر آن پایبند.

به نام خدا و به نام وطن
فدایی ایران همه جان ما
من هستم ز گهواره ی آریای
به نام حکیم پر آواز طوس
همان کس که تخم سخن را شکافت
نگارنده ی راز افسانه ها
تمدن به نقد و به بازار نیست
نیاید شکوه وطن در بیان
سراسر حماسه سراسر هنر
به پا پرچم سبز و سرخ و سفید
فقط بهر شیر است ایران سرای
بدان پوستین پرچم کاویان
به تیری که از جان زد آرش قسم
قسم بر همه قله های بلند
به سبزی جنگل، طلوع کویر
اگر یک به یک پشت هم جان دهیم
اگر سر رود ما به پیمان سریم
چه دانند بیگانگان در خیال
به لب ذکر نصر من الله را
به ایران اسلامی هرگز گزند

دوره تربیتی، معرفتی فانوسی دانشجویان دانشجو معلمان دانشگاه فرهنگیان اصفهان در تاریخ پنجم الی هفتم دیماه به همت دفاتر بسیج دانشجویی دانشگاه های فرهنگیان استان اصفهان با حضور اساتید برجسته استانی و کشوری برگزار شد.

امیرحسین امینی

اهمیت و اهداف برگزاری دوره تخصصی تربیتی فانوس هدایت امیرحسین امینی دبیر برگزار کننده دوره تخصصی استانی فانوس: خدا را سپاس گذاریم که بر ما منت نهاد تا در راستای امری والا که انبیا و اولیای خدا برای آن مبعوث شدند قدم برداریم، این راه مقدس و این رسالت خطیر ما را بر آن میدارد که خود را آماده و تجهیز کنیم؛ دوره ی تربیتی، معرفتی فانوس هم در همین راستا برگزار شد.

سعی کردیم با دعوت از صاحب نظران دغدغه مند حوزه تعلیم و تربیت در حد وسیع خود قدمی هر چند اندک در این راستا برداریم.

وی افزود: مسائل و مشکلات مختلفی در سطح کشور مطرح است و باید هر چه سریع تر با همت و تلاش بی وقفه مسئولین رفع شود ولی مسئله ی نظام مباحث آموزش و پرورش و تعلیم و تربیت عمومی کشور از جمله درجه یک ترین و اساسی ترین مسائل کشور است که کم توجهی نسبت به آن بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه را موجب شده است و لذا باید طرح مسئله و شناخت هر چه بیشتر در این حوزه شکل گیرد تا این گفتمان تخصصی به راه بیافتد و انشاء الله شاهد خبرهای خوبی در این مسئله هم باشیم و با سربلندی قله های پیشرفت در این حوزه را همچون سایر مسائل پشت سر گذاریم.

کفعمی در افتتاحیه دوره تربیتی فانوس هدایت از اعلام آمادگی جهت کمک و تعامل ناحیه بسیج دانشجویی جهت ارتقاء دانشجویان معلمان استان اصفهان گفت. مراسم افتتاحیه دوره تربیتی، معرفتی فانوس با حضور جناب آقای کریمی معاونت محترم مدیریت دانشگاه های فرهنگیان استان اصفهان و سخنان ایشان در مورد جایگاه دانشجو معلم انقلابی آغاز گردید.

جناب آقای کفعمی (مسئول محترم ناحیه بسیج دانشجویی استان اصفهان) در ادامه آیین افتتاحیه دوره تربیتی معرفتی فانوس ویژه دانشجویان معلمان استان اصفهان سخنان خود را با اشاره به نقش ویژه دانشجو معلم و منزلت ایشان آغاز و خاطر نشان کردند که دانشجو معلم نمونه باید به مطالبه گری و پیدا کردن نیاز ها و رسالت های زمانه خود واقف باشد تا بتواند نقش کلیدی خود را که تربیت دانش آموزان طراز انقلاب است را به خوبی ایفا کند.

سخنان رهبری و حضور شخصی ایشان در دانشگاه فرهنگیان نشان دهنده منزلت و نقش مهم معلم می باشد که این امر در جامعه کاملاً مشخص است، همان طور که دانشجو معلم بعد از وارد شدن به عرصه کار به تربیت دانش آموزان خود می پردازد یک نمونه و الگو برای افراد دیگر جامعه نیز می باشد، که این امر در تحول و سیر جامعه می تواند تاثیر بگذارد.

وی در ادامه افزود: مجموعه ناحیه بسیج دانشجویی آمادگی هرگونه کمک و تعامل برای ارتقاء سطح دانشجو معلمان استان اصفهان را دارد.

دانشجو معلم باید دغدغه مند باشد.

دکتر صدیقی مسئول محترم بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان کشور در جمع دانشجویان معلمان دانشگاه های فرهنگیان استان اصفهان در همایش رسالت دانشجو معلم انقلابی گفتند که دشمن لحظه ای از پا نمی ایستد و برای سند تحول بنیادین از راه ۱- تضعیف با ناکار آمدن نشان دادن سند و ۲- تحذیف با تصویب سند ۲۰۳۰ وارد شد و از آنجا که هدایت و حمایت همیشگی مقام معظم رهبری از دانشگاه فرهنگیان صورت گرفت این توطئه ها خنثی شد ولی اینبار دشمن از راه تحریف وارد شده است و دانشجویان معلمان باید با افزایش معرفت خود درباره ی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که بنا به گفته ی رهبری بحق داروی شفا بخش نظام آموزش و پرورش است مطالعه و تحقیق کنند و جامعه را به سمت ارزشهای والای نظام جمهوری اسلامی هدایت کنند و دانشجویان عزیز بدانند که اگر در راه خدا قدم بردارند و سختی های این راه را تحمل کنند، بدانند که وعده ی خداوند حق است و همیشه آنها را یاری میکند (ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه الا تخافوا و لا تحزنوا و البشرو بالجنه التی کنتم توعدون))



اساس قدرت انقلاب اسلامی، قدرت نرم است.

دکتر سلیمی نمین، مدیر دفتر مطالعات و تدوین تاریخ ایران روز پنجشنبه دومین روز برگزاری دوره فانوس، در همایش راه های تقویت انقلاب اسلامی اساس قدرت انقلاب اسلامی را قدرت نرم آن بیان کرد قدرتی که تلاش می کند انسان ها را به رشد برساند.

وی افزود: جمهوری اسلامی مولد انقلاب اسلامی است ولی به آن معنا نیست که در هر زمان و مکان عین آن باشد.

سلیمی با اشاره به بودن اساس انقلاب اسلامی بر رشد انسان ها همانند کار انبیا و اولیای خدا افزود: درست است که باید قانون را دنبال کنیم اما مسئله رشد را نیز باید در نظر گرفت.

سلیمی نمین از تحول بزرگی صحبت کرد که آن توانایی تاثیر بر اراده ملت ها و اولویت هاست.

وی افزود: دشمن به این شیوه و با ابزار فریب به جای آب، سراب را نشان می دهد. ایشان با طرح پرسشی در مورد ابزار رسانه ای ما و دشمن در عراق اشاره کرد و با غیر قابل مقایسه و ناچیز بودن این نسبت از رای آوردن مهره غیر آمریکایی و متمایل با ایران در انتخابات اخیر آن ها اشاره کرد وی ادامه داد: این مقایسه دو قدرت نرم است اول قدرتی که برای تحقق تعالی انسان ها تلاش می کند و دوم آن ابزار نرم کاذب و دروغین به شیوه فریبکارانه عمل می کند.

در پایان ایشان افزود: اصولی که انقلاب اسلامی دنبال می کند گمشته بشریت است و امروز برهم زدن آن نظامی که انسان ها بتوانند تصور کنند که میشود خارج آن نظم زندگی کنند و این یکی از علت های دشمنی دشمنان با ماست.

نقد و بررسی ابعاد سند ۲۰۳۰ بر اساس سند تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش دکتر علی پارسانیا مدیرعامل بنیاد تربیتی حیات و مسئول سابق اندیشکده تعلیم و تربیت دال روز پنجشنبه در کارگاه نقد و بررسی ابعاد سند دوهزار و سی از دیدگاهی فارغ از دید سیاسی سند ۲۰۳۰ به نقد و بررسی استدلالی این سند و مقایسه با سند تحول بنیادین پرداختند.

سایر برنامه های دوره ی تربیتی، معرفتی فانوس

در ادامه برنامه ها در روز جمعه، کارگاه نقش معلم در تحول فرهنگی جامعه با رویکرد رسالت و تعهد دانشجو معلمان با حضور استاد هاشم زاده از صاحب نظران حوزه تعلیم و تربیت در جمع دانشجو معلمان برگزار شد.

مسئولین دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان از تلاش های عوامل بسیج دانشجویی دانشگاه فرهنگیان اصفهان تقدیر و تشکر کردند.

آیین اختتامیه دوره تربیتی، معرفتی فانوس با حضور مسئولین دانشگاه فرهنگیان و ناحیه بسیج دانشجویی استان اصفهان و باتقدیر از فعالین بسیج دانشجویی، نشریه دانشجویی تحریر و جهادگران گروه جهادی شهیدحججی خاتمه یافت.



موضوع دوم مهارت حرفه ای معلم: فن بیان

محمد رضا بختیاری



فاطمه صیوحی

بیمه ی فرهنگیان و هزار معملای لاینحل...

نام بیمه و تمامی امور مربوط به بیمه را، کفایت مقابل یک معلم یا یکی از کارکنان آموزش و پرورش بیرید تا، چهار ستون بدنش بلرزد. در عصر فعلی، تعویض وزرا و حتی شخص رئیس جمهور، دردی از وضعیت بیمه فرهنگیان، دوا نکرد و فقط بندگان خدا مورد آزمایش های مختلف افراد تازه به مدیریت رسیده، قرار می گرفتند.

از دوران وزارت جناب آقای حاجی بابایی و البته ایده ی بسیار مفید ایشان، مبنی بر بیمه ی طلایی برای فرهنگیان که بسیار مفید فایده واقع نشد که هیچ، نمکی بیشتر بر زخم های فرهنگیان عزیز این مرز و بوم پاشید و اوضاع را وخیم تر از سابق کرد. در زمان اجرای طرح بیمه ی طلایی؛ یک فرهنگی، هیچ گاه نباید فکر بازنشستگی می کرد، زیرا قرارداد بیمه با زمان بازنشسته شدن همکاران، مطابقت نداشته و بعضا برای یک مدت به اصطلاح کوتاه (که در فرهنگ ایرانی می شود یک مدتی که رنگ موهایت همچون دندان هایت سپید می گردد)، خدمات بیمه برای آنان قطع می شد. بعد از اتمام وزارت جناب حاجی بابایی، نوبت به دوا کردن درد مردم به وسیله ی جناب آقایانی رسید. ایشان با ارائه و پیشنهاد دادن چهار بسته ی جادویی، که شامل خدمات درمانی متفاوتی بودند و سرانجام، یکی از این بسته ها به عنوان بیمه ی تکمیلی برای خدمات بیمه ای معرفی شد.

اما به نظرمی رسد ماجرای بیمه ی فرهنگیان به گونه ای پیچیده و مبهم شده است که، به دست هیچ وزیری، به حسب ظاهر، قابل حل نیست.

به طور مثال از سال ۸۸ تا کنون، تعرفه ی بیمه برای عینک و زایمان تغییر نکرده است و با اعتراض های فراوان و بررسی های مکرر، در سال ۹۶، به مبلغ عینک ۲۰ هزار تومان و به هزینه ی زایمان ۲۰۰ هزار تومان افزوده شد.

با این وضعیت، مادران فرهنگی، جرأت زایمان در بیمارستان های دولتی را به خود نمی دهند، زیرا که باید از هزینه یک میلیون و چهارصد هزار تومان که هزینه ی زایمان میشود تنها، ۲۰۰ هزار تومان آن را که بیمه تقبل میکند، یک میلیون و دویست هزار تومان این هزینه را از جیب خود پرداخت کنند.

یکی دیگر از شگفتی های بیمه در سال ۹۶، این است که به مبلغ بیمه برای هنر نفر از اعضای خانوارهای فرهنگیان در طرح (الف)، (یعنی کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی این طرح، ۵۸۶۹۰۲ ریال) و طرح (ب)، (یعنی کارکنان رسمی و پیمانی، ۳۹۰/۰۰۰ ریال) و در طرح دیگر (ب)، (یعنی کارکنان قراردادی، ۴۹۰/۰۰۰ ریال) است.

این در حالی است که فرانشیز (میزانی از خسارت است که به هر حال به عهده ی بیمه گذار است)، از ۲۰ درصد به ۳۰ درصد رسیده است. یعنی هر فرهنگی باید ۳۰ درصد از جیبش هزینه کند!

البته ناگفته نماند باز جای شکر بسیار دارد که اصلا بیمه ای شامل حال فرهنگیان می شود، چرا که در عصر یک معلم، باید فقط عاشق باشد تا اینکه بخواهد خسته و فرسوده و خدای ناکرده، بیمار شود، و از آن بدتر نیاز به بیمه هم داشته باشد...

حتما شما هم در طول سنوات تحصیلی خود با مدرسانی مواجه شدید که با وجود بار علمی زیادی که داشتند چندان نتوانستند اموخته های شما را بالا ببرند و بهبود بخشند، همین موضوع مصداق بی توجهی به عامل فن بیان در تدریس است. یک مدرس هر چند به یک مطلب تسلط کامل داشته باشد اما اگر نتواند مطلب خود را به درستی به دانشجو یا دانش آموز خود تفهیم کند به عنوان یک مدرس موفق و درجه یک شناخته نمی شود. نکاتی را باید در هنگام فن بیان در نظر داشته باشیم، که برخی از آن ها عبارتند از:

۱- شمرده صحبت کردن: شمرده صحبت کردن نه تنها فهم شنونده را از صحبت های شما تقویت می کند بلکه باعث می شود مطمئن و آرام به نظر برسید یکی از روش هایی که برای شمرده صحبت کردن به کار می رود تکنیک خودکار می باشد؛ به این گونه که هر روز انتهای خودکار را به مدت سه تا پنج دقیقه بین دندان های خود گذاشته و شروع به صحبت کردن نمایید

۲- با اعتماد به نفس صحبت کنید:

((!! سلام به همگی... اسم من، !!... محمده)) خودتان قضاوت کنید که در ادامه چه اتفاقی خواهد افتاد. مسلما

مخاطب بسیار بی انگیزه می شود به شنیدن ادامه ی سخنرانی کردن شما، معمولا افرادی که در هنگام سخنرانی اعتماد به نفس پایینی دارند دلیلش استفاده کردن از سخنان و مطالب دیگران بدون هیچ گونه کمی و کاستی و یا بدون امادگی و تمرین سخنرانی کردن می باشد بنابراین حتما قبل یک سخنرانی نیز مطالب را ساده سازی کرده و با بیان و تفسیر خودتان ادا کنید البته با تمرین های پی در پی و مداوم.

۳- با صدایتان با ملایمت رفتار کنید: برخلاف یک نوازنده ی گیتار، پیانو، طبل به عنوان یک سخنران ابزار کار شما بدن تان است ببینید چطور نوازنده های حرفه ای از آلات موسیقی شان نگهداری می کنند. با وسواس آن را تمیز، از آن محافظت، قطعات شکسته اش را تعمیر و در جای خوب و راحتی از آن نگهداری می کنند با نوشیدن سیاره اب مخصوصا اب ولرم در صبح ها و پرهیز از فریاد زدن با صدایتان با روی خوش رفتار کنید برای کسب اطلاعات بیشتر به کتاب مراجعه نمایید

۴- با تمرین و امادگی کافی صحبت کنید : شاید این مطلب را شنیده اید که برخی از معروف ترین سخنران ها می گویند که برای یک ساعت سخنرانی کردن به ده ساعت مطالعه احتیاج هست واقعا این موضوع بسیار مهم است چون زمانی که شما امادگی کافی درباره ی مطالب داشته باشید باعث می شود که سوالات گوناگونی که در ذهن مخاطبتان پیش میاید پاسخ دهید البته باید شما از قبل سوال هایی که برای مخاطب پیش میاید را حدس بزنید و به مطالعه آن ها بپردازید و یکی از مقوله های بسیار مهم دیگر نیز تمرین کردن سخنرانی تان می باشد که بسیار اهمیت دارد چرا که باعث می شود معایب خود را شناسایی کرده و به رفع آن ها بپردازید

ادامه دارد...





زندگی برای بانو زینب عباسی ادامه دارد...

است که ما محسن را مشاهده میکنیم. ۱۶ مرداد ۹۶ خبر اسارت محسن همه جا پیچید. دو روز بعد، یعنی ۱۸ مرداد، محسن به آرزویش رسید و به آغوش ارباب بی سر خودش حسین بن علی (ع) رفت. حالا یک سال و اندی است که از آن رشادت عظیم و غیرقابل توصیف این شهید بزرگوار می گذرد. و اینک یک سال و اندی است که زینب تنهاست، و قصد ازدواج با یکی از خویشاوندان دوست شهید محسن که شهید علیرضا نوری نام دارد، کرده است. این درحالی است که خانواده ی شهید محسن حججی، از اولین کسانی هستند که به زینب بابت این تصمیم و ازدواج او به او تبریک می گویند و پیام رهبر انقلاب بر تبریک این ازدواج، نویدی از پاکی و میمنت این سنت زیباست.

اما در این میان، نمی دانم چرا کسانی هستند که کاسه ی داغ تر از آش شده اند. یک نفر نیست به آنان بگوید که به کدامین حکم و قانون، ازدواج مجدد جرم تلقی می شود؟

به قول شهید آوینی: فحش اگر بدهند، آزادی بیان است و اگر تو جواب آنان را بدهی، بی فرهنگی است. چه می شود کرد که حقیقت تلخ است. بیاییم به جای گفتن این حرف های بیهوده و نا بجا، اندکی به تأثیر مثبت این حرکت بانو زینب عباسی بیندیشیم. زینبی که زینب وار بر شهادت محسن صبوری کرد. حال آنکه آن روزها سنش از ۲۳ سال تجاوز نمی کرد. زینب که همراه محسن بالا رفت.

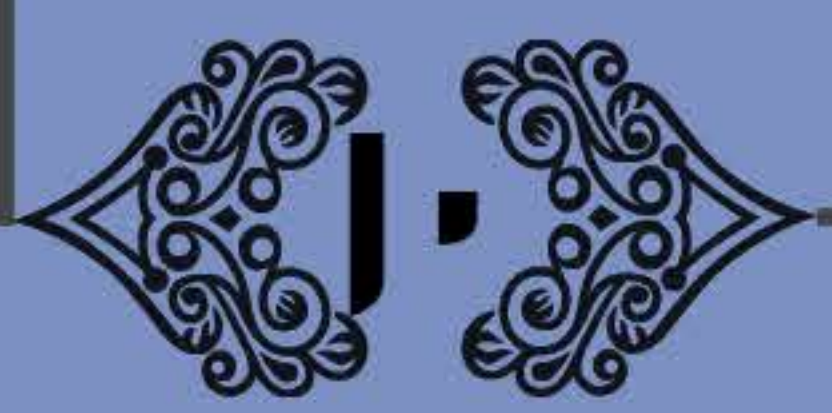
کاش آنان که قضاوت می کنند و نسنجیده سخن می گویند، لحظه ای به تنهایی این شیر زنان فکر کنند. تصمیم با خودمان است، می توان چشم بر روی حقیقت بست یا آن را با آغوشی باز پذیرفت. به امید آن روز که آزادانه بنگریم و آزادانه قضاوت کنیم. مگر نه این است که آزادگان، اهل حق و عدالت و بصیرت هستند...

همه چیز از مؤسسه ی فرهنگی تربیتی شهید احمد کاظمی شروع شد.

آشنایی ساده محسن و زینب که به سبک شهدا بود. محسن پس از دیدن این بانو احساس کرد که شریک زندگی خویش را یافته است. یک هفته از آشنایی مختصر گذشت. محسن با خانواده اش به خواستگاری زینب رفت. شب خواستگاری این نفر، متفاوت با دیگر خواستگاری های انجام شده در همین عصر و روزگار بود. چرا که در همه ی مجالس خواستگاری فقط صحبت از مال و منال و دارایی و توانایی اقتصادی داماد است و این درحالی است که در این مجلس ما صحبت هایی از جمله صحبت در رابطه با شهادت و سعادت رد و بدل شد و گذشت.

سال ۹۱ بود که این ازدواج صورت گرفت. ازدواجی ساده و بی آلاش، اما با زینتی گران بها همچون قرآن کریم و نگاهی سرشار از لطف و رحمت حضرت زهرا (س) که همراه آن بود.

تیر ماه ۹۶ فرارسید. محسن حججی برای بار دوم بود که عزم سوریه داشت. خواهر ایشان نقل می کنند که در هنگامی که قصد وارد شدن در اتوبوس را داشت، رو به ما کرد و گفت: (خدا حافظ که علی اکبر تان رفت) و از این جمله بود که دریافتیم این آخرین بار



وابستگی آزادی اجتماعی به آزادی معنوی

سلسله مباحث پیرامون آزادی در بیان شهید مطهری (ره) برگرفته از کتاب آزادی انسان

محسن سلیمان

اسلام رحمانی یا لیبرالیسم

پریسا شیرین نژاد

آیا ممکن است بشر آزادی اجتماعی داشته باشد؛ ولی آزادی معنوی نداشته باشد؟ یعنی بشر اسیر شهوت، خشم، حرص و آز خودش باشد، ولی در عین حال آزادی دیگران را محترم بشمارد.

امروز می گویند: بله. عملاً می خواهند بشر، برده حرص، شهوت، آز، خشم و اسیر نفس اماره خودش باشد و در عین حال چنین بشری که اسیر خودش است، آزادی اجتماعی را محترم بشمارد. این یکی از نمونه های کوسه و ریش پهن است. یکی از تضاد های اجتماع امروز بشر همین است.

به قول منطقیین، یک ضرب و تقسیمی می کنیم: بشر دوران قدیم، آیا چون نادان بود، آزادی دیگران را سلب می کرد و همین که بشر دانا شد، دیگر کافی است که آزادی دیگران را محترم بشمارد؟ مثلاً دذ بیماری ها این طور است. بشر قدیم جاهل و نادان بود، چون نادان بود، وقتی با بیماری ها روبرو می شد، از داروی مخصوصی که تعیین کرده بود هیچ نتیجه نمی گرفت؛ ولی امروز که دانا شده، کافی است که آن طرز معالجه را دور بریزد و معالجه جدید را جای آن بیاورد.

تفاوت بشر امروز با بشر قدیم در سلب آزادی

ما می خواهیم ببینیم آیا بشر قدیم که آزادی دیگران را سلب می کرد، از این جهت بود که نمی دانست؟ از روی نادانی آزادی را سلب می کرد؟ خیر، نادانی و دانش در او تاثیری نداشت. از روی دانش سلب می کرد؛ به خاطر اینکه سود خودش را تشخیص می داد. آیا بشر قدیم که آزادی و حقوق دیگران را محترم نمی شمرد، از این جهت بود که قوانینش این طور وضع شده بود که تا قانون را عوض کردیم، دیگر تمام بشود؟ مانند قوانین قراردادی که بشر می گذارد؛ مثلاً در آمریکا بگویند (قانون بردگی ملغی) همین که گفتند، واقعا بردگی ملغی شد؟ یا شکل و فرمش عوض شد، محتوا همان محتواس؟ آیا علت اینکه بشر قدیم، آزادی و حقوق را محترم نمی شمرد، طرز تفکر فلسفی اش بود؟ هیچ کدام از اینها بود؛ فقط یک چیز و آن منفعت طلبی بود.

بشر قدیم به حکم طبیعت فردی خودش، منفعت طلب و سودطلب بود، از هر وسیله ای می خواست به نفع خودش استفاده کند؛ یکی از وسایل، افراد بشر بودند؛ یعنی همان طوری که از چوب و سنگ و آهن و گوسفند و گاو و اسب و قاطر می خواست به نفع خودش استفاده کند، از انسان هم می خواست استفاده کند. آن وقتی که درختی را می کاشت یا می برید، چیزی که درباره اش فکر نمی کرد، خود آن درخت بود، فقط درباره خودش فکر می کرد. اگر گوسفند را چاق می کرد و آن وقتی که سرش را می برید، چه منظوری داشت؟ جز منافع خودش چیزی را در نظر نمی گرفت.

بشر قدیم یک موجود صریح بود، هنوز به حد نفاق و دورویی نرسیده بود. فرعون مردم استعباد می کرد، رسماً هم می گفت: ((وَقَوْمَهُمَا لَنَا عَابِدُونَ)).

اسلام رحمانی مدت هاست طرفدارانی به دور خود جمع کرده است. طرحی برای ارتباط با خدا، اما مگر اسلام ظلمانی وجود دارد؟ یا مگر اسلام غیر رحمانی هم داریم؟!

طرح اسلام رحمانی را عمدتاً کسانی مطرح می کنند که دل خوشی از مشی اسلام و انقلاب اسلامی ندارند. اسلام رحمانی با اهداف خاص سیاسی و در جهت مخالف با اسلام و آرمان های انقلاب اسلامی مطرح می گردد.

در اسلام رحمانی بخشی از دین را به نام تمام دین نشان می دهند و با برخوردی، کاریکاتوری، سعی در بزرگتر و با اهمیت جلوه دادن بعد رحمانیت دین نسبت به بقیه ابعاد آن دارند. به نظر می رسد که اهداف اشاعه دهندگان اسلام رحمانی، آزادی های غرب و غربی شدن و دست کشیدن از اهداف و روحیات انقلابی است.

اسلام حقیقی، اسلامی است که ابوجهل ها از آن می ترسند. اسلامی که ابوجهل ها از آن نترسند و با آن دشمن نباشند باید در حقانیت آن شک کنیم. باید نگاهی عمیق به مفاهیم اسلامی داشت و مسائل آن را بررسی کرد. گاه شعار هایی داده میشود، شعار هایی که در ظاهر اسلامی ولی در باطن مخالف با اسلام است. مثل اسلام رحمانی که بسیار هم رایج است.

اسلام رحمانی به این معنا که خداوند، رحمان و رحیم، اشد المعاقبین وهم دارای بهشت و جهنم است و مومنین و غیر مومنین را یک جور به حساب نمی آورد.

قضاوت اسلام رحمانی در مورد مسلمان و کافر چیست؟ بدون مطالعه دقیق و عمیق نظر دادن کاری غلط و گمراه کننده است. نظراتی از سوی طرفداران اسلام رحمانی ارائه می شود که انسان فکر می کند این کلمه، کلید واژه ایست برای معارف نشات گرفته از لیبرالیسم غرب است. (که برای ایدئولوژی غرب هم تعبیر غلطی است).

اگر دیدگاه اسلام رحمانی این گونه است، این اسلام نه اسلام است و نه رحمانیت دارد. تفکر لیبرالیستی از تفکر اروپای قرن ۱۸ و ۱۹ است، یعنی از امونیستی که نفی معنویت و خداست، سرچشمه می گیرد. چون خدایی نیست پس بشر میتواند با سلیقه اش تصمیم بگیرد.

اگر منظور از اسلام رحمانی این است که ما به همه موجودات عالم، هم به چشم رحمت وهم مودّت نگاه کنیم، درست نیست و خلاف قرآن است. قرآن محبت و مودّت را تنها مخصوص مسلمانان نمی داند و به غیر مسلمان هم اشاره دارد. به شرطی که قصد دشمنی نداشته باشند. اگر اسلام رحمانی معنایش دشمنی با اسلام، ایران، ملت و پیشرفت ایران است، آیا باید باز هم با محبت برخورد کنیم؟ این اسلام حقیقی نیست این ها معارفی است خودساخته.

اسلام رحمانی با این که همه اسلام را دربر نمی گیرد، ولی محصول تحریف محتوای اسلام است و با حفظ برخی ظواهر، باطن آن را دگرگون ساخته است. بنابراین اسلام رحمانی تلفیقی از اسلام و لیبرالیسم است.

اسلام ناب، اسلامی است با همه زوایا و ابعاد خود. نه قید خاصی به اسلام اضافه کردن و نه محدود یا مصادره به مطلوب کردن است.

اسلام یک روح رحمانی دارد و از سوی دیگر، همین اسلام لازمه عطوفتش سخت گرفتن و شدت عمل نشان دادن است. بنابراین نمی توانیم بگویم که اسلام تنها بعد رحمانی دارد.

(برگرفته از بیانات مقام معظم رهبری - مدظله العالی -)





آن بیست و سه نفر

خاطرات خودنوشت

احمدیوسفزاده



بیست و سه نفر :

کارگردان: مهدی جعفری

بازیگران: مجید پتکی، سعید البوعبادی، رضا نوری، عبدالحمید تقلی

«بیست و سه نفر» فیلمی است که براساس یک داستان واقعی در دوران هشت سال دفاع مقدس ساخته شده است.

همین ابتدا باید این نکته را بگویم که انتظار تماشای یک فیلم جنگی را با صحنه های میدانی جنگ و کشتار و ... نداشته باشید چراکه مضمون اصلی فیلم «اسارت» است و بیشترین بخش های فیلم به همین موضوع اختصاص داده شده است.

«بیست و سه نفر» از آن دسته فیلم هاییست که خالی اشکال نیستند اما این حفره ها و کم و کاستی ها باعث نمی شوند مخاطب فیلم را دوست نداشته باشد بلکه برعکس، می تواند تماشاگر را تا آخرین سکانس مخاطب بر روی صندلی سینما نگه دارد.

عمده اشکالات فیلم به اجرا و کارگردانی آن بازمی گردد. بخش های جنگی فیلم به لحاظ بصری و فنی حرفه ای از آب درنیامده اند و باورپذیر نیستند. شاید دلیل این امر آن باشد که کارگردان تمرکز اصلی خود را بر ترسیم درست فضای زندان و اسارتگاه بنا کرده است و قصد جدی برای ساختن فیلمی میدانی درباره ی جنگ نداشته است. به همین دلیل بخش های جنگی فیلم کم مایه و کم جان تر از دیگر بخش ها از آب درآمده اند. برعکس بسیاری از فیلمهای سینمای ایران که از مشکل بزرگ "فیلمنامه" رنج می برند، «۲۳ نفر» اتفاقاً فیلمنامه ی مستحکمی دارد. رخدادهای آن به اندازه اند. با آن که به واسطه ی واقعه ی اصلی، عنصر تعدد کاراکتر امری اجتناب ناپذیر در فیلمنامه است، فیلمساز موفق می شود که به هر یک از کاراکترها در حد خود بپردازد و آن ها را از تیپ به شخصیت مبدل کند. از دیگر هوشمندی های کارگردان، استقبال از تعدد قومیت های مختلف در فیلمش است. فیلم، شخصیت هایی با تنوع بومی و قومی دارد که در نهایت به کاراکتر واحدی بدل می شوند و به رغم سن و سال کم، تصمیمی بزرگ می گیرند. از محاسن بسیار خوب «بیست و سه نفر» این است که لحن شعارزده به خود نمی گیرد. با وجود این که چنین فیلمنامه هایی آن هم در ژانر دفاع مقدس پتانسیل شدیدی برای تبدیل شدن به کارهایی شعاری دارند، جعفری در «بیست و سه نفر» با همان سبک مستندگونه ی خود به ترسیم رویدادها و طراحی شخصیت ها پرداخته و دقت می کند که در دیالوگ نویسی به ورطه شعارزدگی و تکرار برخی مکررات نیفتد.

«بیست و سه نفر» با وجود ضعف ها و کاستی هایش فیلمی از دل برآمده است و طبیعتاً به همان میزان می تواند رضایت مخاطب را برآورده کرده و بر دل او بنشیند؛ فیلمی که تصویر جدید و کم تر پرداخته شده ای را از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران به مخاطب ارائه می کند.

گزارشی از فیلم های سی و هفتمین جشنواره ی فیلم فجر

ابوالفضل دولت جاوید

جشنواره فیلم فجر مهم ترین جشنواره سینمایی ایران در بهمن ۹۷ که مصادف با چهلمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی است به سی و هفتمین ایستگاه خود رسید.

یکی از پرسابقه ترین جشنواره های سینمایی خاورمیانه، فصل دیگری از کارنامه سینمایی کشور رقم زد.

معمولاً آثار راه یافته به بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر، پر فروش ترین فیلم های اکران سال بعد سینمایی ایران را رقم خواهند زد. در این بین آثاری که موفق به دریافت سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد، زن و بهترین فیلم شده اند، کاندیدهای گیشه های طوفانی سال بعد هستند. امسال بیش از ۱۳۰ فیلم متقاضی حضور در بخش های سودای سیمرغ و نگاه تو بودند که ۳۲ فیلم از میان آنها انتخاب شد.

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر ۹۷ در سالن برج میلاد در حالی آغاز به کار کرد که در روز نخست یکی از پر حاشیه ترین افتتاحیه های تاریخ سال های اخیر خود را تجربه کرد.

هر ساله در افتتاحیه جشنواره فیلم فجر برای بزرگان سینما بزرگداشت گرفته می شود.

یکی از بزرگداشت های امسال بازیگر کهنه کار سینمای ایران فاطمه معتمد آریا بودند که در برنامه بزرگداشت خود سخنرانی کرد و با انتقاد از جو حاکم بر فضای فرهنگی کشور و تبعیض علیه زنان در سینمای ایران از جای خالی بزرگانی چون بهرام بیضایی در جشن سینمایی یاد. از حاشیه دیگر مراسم افتتاحیه سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر تئاتری بود که با عنوان «چهل سالگی» اجرا شد که در پایان این نمایش سرودی به صورت گروهی در حضور سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خوانده شد و برتری صدای یکی از خوانندگان زن در این همخوانی واکنش های از جمله ابراز تاسف آیت الله نوری همدانی را در پی داشت که سید عباس صالحی توییتی نوشت: «جز صدای هم خوانی به من صدایی نمی رسد!».

سی و هفتمین جشنواره فیلم فجر به دلیل تداخل با ایام فاطمیه امسال زودتر از همیشه از دهم بهمن ماه ۱۳۹۷ در تهران و همزمان چند شهر بزرگ برگزار شد. به دلیل ایام فاطمیه جشنواره دو روز تعطیل خواهد شد ولی اختتامیه جشنواره فیلم فجر ۹۷ مثل هر سال روز بیست و دوم بهمن ماه خواهد بود. ابراهیم داروغهزاده دبیر جشنواره فیلم فجر سی و هفتم است. امسال دوباره بخش کارگردانان فیلم اولی با نام بخش نگاه نو به جشنواره فیلم فجر اضافه شده است. ۲۲ فیلم هم در بخش اصلی جشنواره یعنی بخش سودای سیمرغ حضور دارند. بخش های مستند و فیلم کوتاه هم امسال دوباره در جشنواره فیلم فجر حضور پررنگ خواهند داشت.

حال به بررسی ۶ فیلمی میپردازیم که در روز های اخیر توانسته اند مخاطبان زیادی به سالن های سینما جذب کنند و نظر مثبت بینندگان و منتقدان را به ارمغان بیاورند.



سرخ پوست

کارگردان: نیما جاویدی

بازیگران: نوید محمد زاده، پریناز ایزدیار، آتیلا پسیانی، ملتی حقیقی، حبیب رضایی
سرخ پوست دومین اثر نیما جاویدی به جرئت یکی از کامل ترین فیلم های تاریخ سینمای ایران است.

شخصیت پردازی بی نظیری را شاهد هستیم، برای کاراکتر رییس زندان با بازی نوید محمد زاده شخصیت پردازی بسیار بی نظیر، دقیق و کاملی صورت گرفته است به صورتی که از همان پرده آغازین فیلم مخاطب به درک بسیار خوبی از شخصیت رییس زندان دست پیدا می کند؛ این شخصیت پردازی دقیق و با ظرافت باعث شده که نوید محمد زاده یکی از بهترین و هوشمند ترین ایفای نقش های خود را انجام دهد. نوید محمد زاده در تک تک سکانس هایش در این فیلم بسیار حساب شده بازی می کند، او روی بازی اش بسیار کنترل دارد و این بازی یک دست و حساب شده به کیفیت بالایی اثر، کمک شایانی کرده است.

رییس زندان دارای یک شخصیت خاکستری است به این معنا که در وجود او (در بُعد غیر کاری او) یک انسان نیکو وجود دارد اما بُعد دیگر او که بُعد کاری اوست یک انسان بانظم و وظیفه شناس است که این وظیفه شناسی در شخصیت او باعث شده است که وی در انجام کارش از خیر به سمت شر متمایل شود. زن مددکار با بازی زیبا و تأثیرگذار پریناز ایزدیار، عاملی است که از بیرون روی بُعد غیر کاری و در واقع انسانی رییس زندان اثر می گذارد و قصد دارد که آن را تحریک کند.

و اما ترفیع درجه ی رییس زندان از عنوانش به ریاست شهربانی که به واسطه ی وظیفه شناسی و همچنین سفارش مافوقش به آن دست پیدا می کند، عاملی است که بر روی بُعد کاری او اثر می گذارد و عامل تحریک آن است.

تمام این عوامل دست به دست هم می دهند تا رییس زندان برای حل و فصل مشکل ایجاد شده در زندانش، به اقدامات جالب توجه دست بزند و اما این عوامل در کنار بحران پیش آمده باعث می شود که بُعد های شخصیتی رییس زندان با هم در مبارزه باشند تا نتیجه این مبارزه منجر به پیروزی یکی از بُعد ها شود و تصمیم گیر ی نهایی رییس زندان شکل بگیرد.

وقتی به ثانیه ثانیه فیلم فکر میکنم و آن ها را تحلیل می کنم به این نتیجه دست پیدا می کنم که چقدر سناریوی فیلم سرخپوست شاهکار است.

فیلمبرداری هومن بهمنش بی نظیر صورت گرفته است، از آنجا که اولاً نماهایی به مخاطب نشان داده می شود که فوق العاده چشم نواز و به یاد ماندنی است، دوماً این تصویربرداری در خدمت داستان و فیلمنامه است و از این لحاظ بسیار موفق عمل کرده است.

هومن بهمنش با دو اثر بی نظیر از لحاظ فیلمبرداری در جشنواره امسال حضور دارد، متری شیش و نیم و سرخ پوست، وی از شانس های اصلی و جدی گرفتن سیمرغ از جشنواره امسال است.

موسیقی سرخپوست را رامین کوشا آهنگ ساز ایرانی ساکن آمریکا ساخته است. این موسیقی متن بی نظیر است چه از لحاظ کیفیت موسیقی و چه از لحاظ زمان استفاده از آنها در سکانس های ویژه ای در فیلم.

فضاسازی، طراحی لباس و طراحی صحنه نیز به بهترین شکل ممکن صورت گرفته است و مخاطب کمتر اثری از این کیفیت بالا، در موارد گفته شده، در سینمای ایران می یابد.

نوید محمد زاده دو ایفای نقش بسیار حساسی و باکیفیت در جشنواره ی امسال دارد و حتی باید با جرئت تمام گفت که وی سزاوار است که برنده ی دو سیمرغ بلورین بازیگری از جشنواره امسال باشد.

پریناز ایزدیار هم ایفای نقش خوب و باکیفیتی دارد و می توان شانس برای کاندید شدنش در نظر گرفت.

در سایر بخش های دیگر از جمله بخش های فنی، بهترین فیلمنامه، بهترین کارگردانی و بهترین فیلم هم سرخ پوست لیاقت کاندید شدن و گرفتن چند سیمرغ بلورین را دارد.

همان طور که گفتیم سرخ پوست از کامل ترین فیلم های سینمای ایران است، فیلمی است که هدف اصلی اش قصه گویی است، فیلمی است که از لحاظ فرم و محتوی بسیار خوش ساخت و عالی است.

پیشنهاد من این است که لذت فراوان تماشای ثانیه به ثانیه ی این فیلم در سینما را به هیچ عنوان از دست ندهید.

شبی که ماه کامل شد

کارگردان: نرگس آبیاری

بازیگران: الناز شاکر دوست، هوتن شکیبا، فرشته صدر عرفانی، شبنم مقدمی، پدram شریفی

جدیدترین ساخته ی نرگس آبیاری را شاید بتوان کامل ترین و برترین فیلم او دانست و این سیر پیشرفت در کارنامه این فیلمساز اتفاقی خوشایند و مبارک است.

آنچه آبیاری در «شبی که ماه کامل شد» ارائه داده است مجموعه درستی از انتخاب های روایی ست که با اجرایی بی بدیل و کم عیب و نقص ساخته ی او را به اثری به شدت قابل تأمل در جشنواره ی فیلم فجر امسال تبدیل می کنند.

«شبی که ماه کامل شد» داستان زنی تهرانی ست. او به عقد کسی درمی آید که برادر ریگی معروف است اما برخلاف برادرش به فکر زندگی خویش است؛ نه نجات جهان آبیاری در «شبی که ماه کامل شد» به سراغ موضوعی دشوار بر اساس یک داستان واقعی رفته است که کوچک ترین لغزشی می توانست در نتیجه نهایی فیلم تأثیری جبران ناپذیر بگذارد حال آن که فیلمساز با جسارتی مثال زدنی شرایط دشوار تولید فیلم را پشت سر می گذارد و با دقتی وسواس گونه به نتیجه ای رضایتبخش و حتی غافلگیرکننده می رسد.

نرگس آبیاری، به رغم طولانی بودن فیلم، قصه اش را روان روایت می کند. از ترسیم زواید تا حد زیادی پرهیز می کند و با تعلیق های به جا، التهاب و اغتشاش که لازمه فیلمی با محوریت «تروریسم» است را مستقیماً به تماشاگر منتقل می سازد.

ریتم مناسب و موقعیت های نفسگیر فیلم که به واسطه دقت نظر و آگاهی فیلمساز پدید آمده اند قطعاً عمده دلیل همین پرکشی فیلم اند.

فضاسازی کار ماهرانه است و ظرایف و جزئیات اقلیمی و بومی آن قدر با بافت و جنس کار عجین شده اند که گاه فکر می کنیم فیلمسازی از همان لحظه فیلم را ساخته است.

بازیگران فیلم، از دیگر برگ های برنده ی آن به حساب می آیند. هوتن شکیبا، بازی غافلگیرکننده ای دارد. فرشته صدرعرفایی با آن چهره پردازی ماهرانه، مخاطب را به شک می اندازد که آیا او واقعاً خود خانم صدرعرفایی ست؟ در کنار این دو، نمی توان بازی درخشان شبنم مقدمی را نادیده گرفت که باز هم نقش متفاوت دیگری را در کارنامه خود ثبت می کند. در میان بازیگران فیلم شاید الناز شاکردوست سر و گردنی پایین تر از دیگران قرار گیرد. با این که او زن اصلی قصه است اما شاید نتوانسته است به اندازه بازیگران مقابلش در ترسیم تحول زن موفقیت آمیز عمل کند. این امر بدین معنا نیست که او بازی بدی داشته اما شاید بازیگران دیگر فیلم آن قدر درخشان اند که بازی متوسط شاکردوست در میان آن ها گم شده است. نرگس آبیاری با «وقتی ماه کامل شد» سینما را به مفهوم واقعی سینما به مخاطب نشان می دهد و یکی از بهترین فیلم های جشنواره امسال را به تصویر میکشاند.

نویسنده و کارگردان: نیما جاویدی

تهیه کننده: مجید مطلبی

غلامرضا تختی

کارگردان: بهرام توکلی

بازیگران: علیرضا گودرزی، شاهرخ شهبازی، ماهر الوند، ستاره پسیانی

سال گذشته که تنگه ابوقریب فیلم جذاب و بسیار خوش ساخت بهرام توکلی پرده سینماهای جشنواره را تسخیر کرد، ضمن ابراز شگفتی از اینکه بهرام توکلی با سابقه فیلمسازی در حوزه فیلم های اجتماعی چگونه توانسته فیلمی اینچنین جذاب و زیبا در حوزه سینمای دفاع مقدس بسازد، تاکید کرده بودم که تنگه ابوقریب را می توان و می بایست به عنوان یکی از متر و معیارهای اصلی سینمای دفاع مقدس با تعاریفی که همه این سال ها از سینمای دفاع مقدس ارائه می شود در تاریخ سینمای ایران ثبت و به آن استناد کرد.

متأسفانه یکی از نقایص و ضعفهای همه تاریخ سینمای ایران بی توجهی در پرداختن به زندگی شخصیتها و مشاهیر مهم و جهانی کشورمان بوده و هست. متأسفانه در حوزه فیلم بلند و موضوعات مربوط به مشاهیر و شخصیتهای ملی و جهانی کشور، کارنامه ما به تعداد انگشتان دو دست نمی رسد و این مساله با وجود انبوه شخصیتها در حوزه های مختلف جزو یکی از ضعفهای اصلی به شمار می آید.

این مساله اهمیت خود را آنجا نشان می دهد که ساخت فیلمی راجع به غلامرضا تختی همواره محل صحبت و بحث و نظر بوده و زنده یاد علی حاتمی نیز به سمت ساخت فیلم مذکور رفت که اجل امانش نداد و در پی آن بهروز افخمی دست به کار شد و شاهکاری را به اسم تختی روانه پرده ها کرد که اکثر قریب به اتفاق سینماگران و منتقدان سعی در به فراموشی سپردن آن دارند.

نکته مهم و قابل اعتنا در متن غلامرضا تختی نگاه همه جانبه و بی طرفانه نویسندگان به زندگی و احوالات غلامرضا تختی بوده است. در واقع تیم سعید ملکان و بهرام توکلی تلاش کرده اند تا با پرهیز از نگاه یکسویه نگر و جانبدارانه به جوانب زندگی تختی (اگرچه در برخی بخش ها نیز به تاریخ وفادار نبوده اند و البته معتقدم این مساله هیچ لطمه ای را به بافت اصلی قصه وارد نکرده) به عنوان یک فرد بی طرف زندگی شخصیتی را به تصویر بکشند که با گذشت بیش از نیم قرن از درگذشت پر حرف و حدیثش همچنان در دل مردم کوچه و بازار جا دارد و از همین رو بی طرفی نویسندگان فیلمنامه بدون اینکه بخواهند از تختی یک بت تمام عیار بسازند یا یکسویه به رژیم سابق حمله کرده و عوامل حکومت پهلوی را در مرگ تختی دخیل بدانند، زمینه ای را فراهم سازند تا مخاطب، خود به تحلیل و تصمیم گیری بنشیند و خود قضاوت کند آنچه را که بر زندگی غلامرضا تختی گذشته است. و به همین دلیل معتقدم که قدرت فیلمنامه دقیقاً در همین نقطه اتفاق افتاده است.

زمین بازی اش اینجا نیست باید با «رما» و «راپسودی بوهمی» مقایسه اش کرد. سکانس فینال المپیک ملیورن یکی از بهترین سکانس های تاریخ سینمای ایران است

ماجرای نیمروز ۲: رد خون

کارگردان: محمد حسین مهدویان

بازیگران: محسن کیایی، بهنوش طباطبایی، جواد عزتی، هادی هجازی فر گویا ناامیدی های مهدویان همچنان ادامه دارد، سایه سنگین لاتاری آنقدر تاثیرگذار بوده که حالا کارگردان فیلم تحسین برانگیز ایستاده در غبار، فیلم قبلی اش یعنی لاتاری را با روتوشی دهه ۶۰ و به سیاق مستندهایش دوباره می سازد.

ناموسی که حالا منافق شده و ساعد سهیلی در شمایل شوهری احمق و موسی یه عصبانی در قامت آشنای کمال دنبالش هستند و اینبار نه برای نجات که برای حذف کردنش!

«ماجرای نیمروز ۲» حتی اسمش را هم اشتباهی انتخاب کرده شاید «لاتاری ۲» عنوان مناسبتری برای این همه تصویر جسته و گریخته تکراری میشد.

فیلم اخیر مهدویان هیچ نشانی از جوان باهوش و زیرک مستندهایش ندارد و مخاطب مهدویان همچنان منتظر اتفاقیست که نمی افتد و جک های کمال محبوب، هم ارضایش نمی کند.

فیلم رد خون انگار در ماراتونی کشدار، گیر افتاده، آنقدر که دلت حتی برای یک لحظه خشم جواد عزتی در لاتاری هم تنگ می شود چه برسد به اوج های بینظیر «ایستاده در غبار»، به خاطر بیاوریم لحظه ای که متوسلیان گوشی بی سیم را در اوج جنگ بالا می گیرد و سکوتی عجیب توی سرمان دوران می کند



متری شیش و نیم

کارگردان: سعید روستایی

بازیگران: پیمان معادی، نوید محمد زاده، پریناز ایزدیار،

حالا بعد از «ابد و یک روز» جنجالی سعید روستایی، با دیدن «متری شیش و نیم» می توان مدعی بود که با یکی از بهترین کارگردانهای ایران روبرو هستیم، کسی که سینما را خوب می شناسد و مهمتر از آن دغدغه دارد.

سینمای اجتماعی از آن ژانرهای ست که در ایران بسیار پرتعدادتر از گونه های دیگر جلو می رود و مخاطبش را نگه می دارد، شاید از آنجا که درگیری های زندگی روزمره آنقدر بشمارند که دیدن و مطرح شدنشان روی پرده سینما جذاب تر از فلسفه های ذهنی، یا همه همه های عاشقانه است.

ساختن چنین فیلم هایی با رویکردی واقعیت گرایانه محض آنقدرها به مذاق مخاطب ایرانی خوش نمی آید، اما انتخاب موضوعی واقعی، با رویدادهایی واقع گرایانه و اضافه کردن ملودرام، سینمایی ناب را می سازد که تمام عناصر، واقعی جلوی دوربین چیده شده اند و پذیرفتن تلخی و رنج آدم های واقعی مقابل دوربین با چاشنی درامی پلیسی همراه می شود.

«متری شیش و نیم» اما از مدیریت یک سری معتاد جلوی دوربین فراتر می رود، تقابل دزد و پلیس قصه همچون قصه هایی مثل مخمصه مایکل مان یا حتی face off جان وو، موقعیتی را ایجاد می کند که جای قهرمان یا شخصیت اول فیلم مدام تغییر کند و بستر گفتگوهایی با مضامین پررنگ تر اجتماعی ایجاد شود.

استفاده از نماهای نزدیک به قهرمان ها و دور شدن به موقع دوربین در صحنه هایی که لزوم دیدن جمعیت وجود دارد حضور پررنگ کارگردان را بیشتر و بیشتر به رخ می کشد و اصلاً همین حرکت های دوربین است که به فیلم روستایی شخصیت می دهد. سکانس افتتاحیه فیلم و دوربین ناظری که فاجعه را تماشا می کند به یاد بیاورید.

اگر بگویم که برگ برنده «ابد و یک روز» فیلم نامه ی آن بود بی شک در «متری و شیش و نیم» برگ برنده در دستان پیمان معادی است. با این هنرنمایی کاریزماتیک و فوق العاده اش با جرئت می توان بگویم که یکی از بهترین هنرنمایی های تاریخ سینمای ایران را انجام داده است. پیمان نقش پلیس خسته، جدی، وظیفه شناس و بعضی وقت ها دلسوز را آن قدر خوب بازی کرده که بهتر از هر بازیگر دیگری حتی در سطح بین الملل و هالیوود، نقش یک پلیس را به معنای حقیقی ایفا کرده است.

استفاده از نماهای نزدیک به قهرمان ها و دور شدن به موقع دوربین در صحنه هایی که لزوم دیدن جمعیت وجود دارد حضور پررنگ کارگردان را بیشتر و بیشتر به رخ می کشد و اصلاً همین حرکت های دوربین است که به فیلم روستایی شخصیت می دهد. سکانس افتتاحیه فیلم و دوربین ناظری که فاجعه را تماشا می کند به یاد بیاورید.

اگر بگویم که برگ برنده «ابد و یک روز» فیلم نامه ی آن بود بی شک در «متری و شیش و نیم» برگ برنده در دستان پیمان معادی است. با این هنرنمایی کاریزماتیک و فوق العاده اش با جرئت می توان بگویم که یکی از بهترین هنرنمایی های تاریخ سینمای ایران را انجام داده است. پیمان نقش پلیس خسته، جدی، وظیفه شناس و بعضی وقت ها دلسوز را آن قدر خوب بازی کرده که بهتر از هر بازیگر دیگری حتی در سطح بین الملل و هالیوود، نقش یک پلیس را به معنای حقیقی ایفا کرده است.

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى فَاطِمَةَ وَاَيِّهَا وَبَعْلِهَا وَبَنِيهَا وَالسِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فِيهَا بَعْدَ مَا احَاطَ بِهِ عِلْمُكَ

مادر آسمانی

سلام بر
مادر آسمانی

الحمد لله

تحریر را با رمزینہ دنبال کنید....



scan me

رمزینہ پاسخ سریع یا QR Code یک رمزینہ ماتریسی (یا بارکد دوبعدی) است کہ می توان آن را با پوینده های QR، تلفن همراه دوربین دار و تلفن هوشمند بازخوانی کرد. این بارکد دربردارنده چیدمانی از نقطه های مربع شکل سیاه رنگ (با نام ماژول) بر روی زمینه سفید است. شما می توانید با داتلود نرم افزار QR CODE READER از کافه بازار و نصب آن بر روی تلفن همراه خود، QR CODE ها را اسکن نمایید تا محتوای آن برای شما به نمایش در آید.



nashryeh_tahrir97